امام حسین (علیه السلام)
در آینه کلمات شهید مطهری

محمد هادی فلاح

بسم الله الرحمن الرحیم

امام حسین علیه السلام در آینه کلمات شهید مطهری (ره)

نویسنده:

محمدهادی فلاح

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امام حسین علیه السلام در آینه کلمات شهید مطهری (ره)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : امام حسین علیه السلام در آینه کلمات شهید مطهری (ره)/ گردآوری و تنظیم محمد هادی فلاح؛ تهیه کننده مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: دفترعقل، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۶۴ص.

یادداشت : کتابنامه

موضوع : مطهری، مرتضی، ۱۲۹۸ - ۱۳۵۸.-- نظریه درباره حسین بن علی (ع)

موضوع : Mutahhari, Murtaza

موضوع : مطهری، مرتضی، ۱۲۹۸ - ۱۳۵۸-- نظریه درباره واقعه کربلا

موضوع : مطهری، مرتضی، ۱۲۹۹-۱۳۵۸.--کلمات قصار

سرشناسه : فلاح، محمدهادی، ۱۳۴۷ -، گردآورنده

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۲۰-۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۸۲

رده بندی کنگره : BP۲۳۳/۷/م۶ ف۸ ۱۳۸۸

شماره کتابشناسی ملی : ۱۸۲۸۷۸۰

ص:۱

اشاره

فهرست مطالب

دیباچه

استاد شهید مرتضی مطهری از شخصیت های بارز علمی و فرهنگی است که در زمینه های گوناگون، موفقیت های ارزنده ای به دست آورد. صفا، معنویت و عشق به قرآن و اهل بیت علیهم السلام، در سراسر وجودش موج می زد. وی از دور به منطق شبیه بود؛ از میانه راه به فلسفه و حکمت می مانست، ولی از نزدیک عین عرفان بود.

برای مثال، او که ظرافت های فلسفه هگل را با پتْک منطق، آن چنان سخت می کوبد، به منبر هم می رود و برای امام حسین علیه السلام روضه می خواند. در حالی که استادان دانشگاه و دانشجوها پای منبر او هستند، شروع می کند به خواندن روضه حضرت قاسم علیه السلام و بعد وسط روضه، چنین می خواند:

بر فرس تندرو هرکه تو را دید، گفت

برگ گل سرخ را باد کجا می برد؟

بعد هم شروع می کند زارزار گریه کردن!

توجه اصلی ایشان در همه امور به مبدأ بود. عشق به اهل بیت علیه السلام را همواره در دل داشت و به دور از هرگونه آرایش و پیرایش بود. روحی بزرگ و عالمانه داشت و در جای جای نوشته های خود، از مرام و مسلک

و عقیده و ایثار حسینی سخن می گفت. ازاین رو، پژوهشگر فرزانه جناب حجت الاسلام والمسلمین محمدهادی فلاح کوشیده است، از لابه لای سخنان استاد، دیدگاه ایشان را درباره شخصیت والای امام حسین علیه السلام و نهضت ماندگار او بازگوید تا ره مایه برنامه سازان ارجمند قرار گیرد. امید که از تلاش وی بهره برداری بهینه کنند.

انّه ولیّ التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صداو سیما

گروه جامعه شناسی

پیش گفتار

دوری از مطالعه و پرسش و گریز از اندیشیدن در حقایق وجودی و آموزه های اهل بیت:، خیال پردازی و سست انگاری را در انسان باورمند قوّت می بخشد و او را به رفتارهای ساختگی وامی دارد و از تعلیمات فراسوی دینی، منحرف می سازد. اگر طبیب حاذقِ دل و جان، نبض عقل، اعتقاد، دل، عمل و سلایق و رسومات برخی ها را بگیرد، خواهد گفت: چرا به نسخه مطالعه، عمل نکردید؟ چرا برای پیشگیری و درمان نپرسیدید؟ و اساساً با داشتن نعمت عقل و فکر، چرا از اینها استفاده نکردید؟

آیا این یک بیماری و انحراف نیست که عده ای، دانسته یا ندانسته، خواسته یا ناخواسته، آل اللّه را جای اللّه می نشانند و امام علی علیه السلام، این بنده وارسته و مفتخر به بندگی اللّه را خدا می شمارند و خود را «علی اللهی» می دانند و یا مانند برخی از نوظهوران امروزین، فریاد کرده می گویند: «لا اله الاّ زهرا»، و یا خویش را «حسین اللهی» می خوانند و دور از عمل به احکام الهی، همه رضایت خدا و اهل بیت علیهم السلام را در زیارت های صِرف می دانند!

امام باقر علیه السلام که بر پایه گزارش های تاریخی، سختی و سنگینی حادثه کربلا را در چهارسالگی شاهد بوده، می فرماید: «ما از فتنه انگیزی مردم در حقمان و از ناآگاهی شان نسبت به فضل خداوند بر ما و اینکه ما را اربابانی جای خدا بنشانند، می هراسیم و حال آنکه ما بندگان او هستیم و با گردنکِشی، از عبادتش سر برنمی تابیم و از فرمان بری اش آزرده نیستیم، بی تابی نمی کنیم و به ستوه نیاییم؛ ما سرسپار اوییم. (۱)

ما را چه شده است؟! چرا از این راهکار و کُد و کلیدی که امام باقر علیه السلام ارائه می دهد هیچ بهره ای نمی گیریم و به پیام آن جناب عمل نمی کنیم؟! پیام این است: اگر می خواهید ما اهل بیت علیه السلام را الگوی خود قرار دهید، بدانید که ما در برابر خدا، کَردنکِش نیستیم و از عبادت او فرار نمی کنیم؛ از بندگی اش آزرده نمی شویم، بی تابی نمی کنیم و به ستوه نمی آییم؛ ما سرسپار خداییم.

پس شما هم در عبادت خدا، گردنکِشی و فرار نکنید، آزرده نباشید، بی تابی نکنید، به ستوه نیایید و سرسپار خدا باشید.

حال با ظهور و حضور نگرش ها و انگاره های زیان بار بر مَرکب جلسات و مجالس و برنامه سازی که گاه از روحانیّت مُعَظَّم و شعرای مُکَرَّم، سخنان و اشعار خنثا می طلبند، مردم بیچاره و گرفتار، چگونه بتوانند قَبَسی از حقایق دینی را به چنگ خویش گیرند و با گیرانه ای، راه را از چاه تمییز دهند؟ چه بسیار اندیشه های کفرآمیز ما که سر در آبشخور پندارهای

۱- مناقب آل ابی طالب علیه السلام، ج ۴، ص ۱۵۸.

بی اساس از وجود و فلسفه وجودی اهل بیت علیهم السلام دارند و گره گاه های زندگی مان را در هم تنیده تر می سازند!

چرا به یاد نداریم که اهل بیت علیه السلام، انسان های برترند نه برتر از انسان؟

چرا به خاطر نمی آوریم که اهل بیت علیهم السلام، درهای خانه اند نه خود خانه؟

«وَأْتوُا الْبُیُوتَ مِنْ اَبْوابِها؛ به خانه ها از درِ [ورودی] آنها درآیید.» (بقره: ۱۸۹) و در زمان کنونی، امام عصر(عج)، باب اللّه الأعظم (۱) است.

و آیا فراموش کرده ایم که اهل بیت علیهم السلام، بهترین و مطمئن ترین وسیله برای نزدیک شدن به پیشگاه قدسی و نزهت آمیز ذات اقدس خداوند به شمار می آیند نه خود خدا؟

بی گمان عنوان «علی اللهی» که در گذشته سر برآورده و هنوز هم رواج دارد و گفتن «لا اله الّا زهرا» و «حسین اللهی» که در زمان حاضر (هرچند با توجیهاتی)، بروز یافته است، جان این عزیزان را افزون تر از اقدام خوارج سطحی نگر و پیمان شکن و کوفیان فراموش کار، رنجور می سازد.

اگر پیامبر عظیم الشأن از ما بپرسد:

مرا بیشتر دوست دارید یا پدرتان را؟

باید بگوییم: یا رسول اللّه(ص)، شما را.

پیامبر: مرا بیشتر دوست دارید یا مادرتان را؟

- یا رسول اللّه، «بِأَبی اَنْتَ وَ اُمّی؛ پدر و مادرم به فدایتان.» شما را.

پیامبر: مرا بیشتر دوست دارید یا خودتان را؟

- «بِنَفْسی اَنْت؛ جانم به فدایتان.» شما را.

۱- «این باب اللّه الذی منه یؤتی.» نک: مفاتیح الجنان، بخشی از دعای ندبه.

پیامبر: مرا بیشتر دوست دارید یا خدا را؟

– این بار با آموخته ای که از او داریم: «اَلَّذینَ آمَنُوا اَشَدُّ حُبّاً للّه» (۱) مَکْثی می کنیم و می گوییم: ای اَوْلی و سزاوارتر از ما به جانِ ما (۲)، از شما آموخته ایم که او «جلَّ و علا» را به شدّت دوست بداریم و به شما به این خاطر که از سوی او «جلَّ و علا» آمده اید، عشق بورزیم.

بی شک از این پاسخ ما، تبسم رضایت بر لبان مبارک پیامبر نقش خواهد بست.

در جنگ اُحد، وقتی مسلمانان به خاطر شایعه قتل پیامبر، عقب نشینی می کردند، این آیه توبیخی نازل شد که برای حُسن ختام از آن یاد می کنم: «وَ ما مُحَمَّدٌ اِلاّ رَسُولٌ، قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ، اَفَاِنْ ماتَ اَوْ قُتِلَ اِنْقَلَبْتُمْ عَلی اَعْقابِکُمْ» (۳) ای مسلمانان، پیامبر، تنها به عنوان وسیله ای برای رسیدن شما به بارگاه من آمده است. حال اگر او بمیرد یا کشته شود، شما به عقب برمی گردید و مرا که هدف اصلی و نهایی بوده و هستم، از خاطر می برید؟ درحالی که او فقط فرستاده و وسیله بود، نه هدف و من هدف بودم نه وسیله.

کوتاه سخن اینکه: خُنک و گوارا این زندگانی دینی، کسی را که همواره جانی از عشق الهی دارد و در پی تبسّم و رضایت این واسطه ای نازنین است.

۱- «اهل ایمان، خدا را به شدّت دوست دارند». (بقره: ۱۶۵)

۲- «پیغمبر اَوْلی و سزاوارتر به مؤمنان است از خود آنها (یعنی مؤمنان باید حکم و اراده او را مقدم بر اراده خود بدارند و از جان و مال در اطاعتش مضایقه نکنند.» (احزاب: ۶) ترجمه: الهی قمشه ای.

۳- «و محمد، جز فرستاده ای که پیش از او [هم] پیامبرانی [آمده و] گذشتند، نیست. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، از عقیده خود برمی گردید؟» (آل عمران: ۱۴۴)

مجموعه پیش رو، کلمات کوتاه و برگزیده از همه آثار استاد شهید مطهری(ره) است که برای کمک به بازشناسی شخصیت و قیام خونین سیدالشـهدا علیه السلام و جلوگیری از انحراف در این خصوص، گردآوری شده است. در این زمینه توجه به نکات زیر شایسته است:

۱. مختصرِ پیشِ رو، کلمات کوتاه و برگزیده ای است که از مجموعه آثار استاد شهید مطهری(ره) گِرد آوردم.

۲. برای بخش هـای داخلی کتاب، چکیـده ای به عنوان ورودی نوشـتم تا خواننـده محترم با آگاهی اجمالی، به مطالعه کلمات بخش مربوطه بپردازد و به مفاهیم و محتوای آنها نزدیک تر شود و راحت تر با آنها پیوند برقرار کند.

۳. پس از یادداشت برداری کلمات برگزیـده، آنها را جـداگانه در پنـج بخش، همگون با ذوق و سـلیقه و حتی المقدور مرتبط در کنار هم، پای عناوین «امام حسین علیه السلام و زیبایی ها»، «اصلاح طلبی راستین»، «قصه عروج»، «امام حسین علیه السلام و آینده» و «پاسداشت قیام امام حسین علیه السلام» قرار دادم.

۴. برای فهم راحت تر آیات و روایات، ترجمه آنها را نیز یاد کردم.

۵. با حفظ امانت و دقت در مقصودِ استاد شهید، به منظور سهولت در فهم برخی از کلمات، از قلّاب[ ]، استفاده کردم؛ مثلاً «او [امام حسین علیه السلام] هرگز از روزگار شکایت نکرد.» (۱) همچنین جای حذف بعضی کلمات، از نقطه چین، بهره جُستم؛ مثلاً «حسین علیه السلام ... کانون محبت است». (۲)

۶. به بـاور من، سـجده ای که جنـاب سیدالشـهدا علیه السـلام، نزدیـک به زمـان شـهادتشان در گودال قتلگاه داشت، تصویری نُمادین از «عظمت آزادی»

۱- حماسه حسینی، ج۳، ص۳۲۲.

۲- فلسفه اخلاق، ص۱۹۱.

انسان است. ازاین رو، قتلگاهِ آن عزیز را «جلوه گاه رهایی» و آن دُردانه را «شُکوه رهایی» باور دارم.

۷. امیدوارم خوانندگان گرامی با خواندن این کلمات کوتاه، پیام های حسینی را به راحتی دریافت کرده و با عمل به آن، لبیک گوی فراخوان عملی سیدالشهدا علیه السلام باشند.

۸. این کلمات، بهانه ای است تا خوانندگان عزیز، اصل کتاب را نیز بخوانند و به مطالعات بیشتر در زمینه مورد نظر بپردازند.

۹. نکته آخر: کُدهایی که در این کلمات وجود دارد، دست مایه خوبی برای اندیشمندان و پژوهندگان و خطبای گرامی، خواهد بود.

امید است این وجیزه با چینِشی که یافته است، گامی سودمند در این راه به شمار آید و بایسته هایی را در مقابله با رویش و رشد پندارهای سستِ دینی ـ مذهبی، به ویژه درباره سیدالشهدا علیه السلام به خوانندگان گرامی، منتقل سازد.

محمدهادی فلاح

امام حسین علیه السلام و زیبایی ها

در این بخش به برخی از ویژگی ها و زیبایی های شگرف روحی و شخصیتی سیدالشهدا علیه السلام در ابعاد گوناگونِ فردی و اجتماعی اشاره شده است:

حماسه زیبا، تقدّس زیبا، شعارهای زیبا، روح زیبا، سوژه زیبا، شخصیت زیبا، زیبایی کرامت نفس، کلمات زیبا، منطق زیبا، نهضت زیبا، انسانیت زیبا، تاریخ زیبا، عاشورای زیبا، فضائل زیبا، شجاعت زیبا، شهادت زیبا، تربیت زیبا، تربت زیبا، محبت زیبا، بندگی زیبا، امام و پیشوای زیبا و در نهایت، تجلی زیبای اسلام عملی و معنوی و حیات زیبای اخلاقی و اجتماعی اسلام.«وَ ما رَأَیْتُ اِلّا جَمیلًا». (۱)

تو از هر در که باز آیی، بدین خوبی و زیبایی

دری باشد که از رحمت، به روی خلق بگشایی (۲)

 پیغمبر فرمود: «حُسَیْنٌ مِنّی وَ اَنَا مِنْ حُسَیْنٌ؛ حسین از من است و من از حسینم.» (۳) یعنی اساساً میان ما جدایی فرض نمی شود و وجود ندارد. (۴)

۱- «من جز زیبایی نمی بینم» بحارالأنوار، ج ۴۵، ص۱۱۶.

۲- سعدی، غزل ۵۰۱.

۳- بوستان، بحارالأنوار، ج۴۳، ص۲۶۱، ح ۱.

۴- آشنایی با قرآن (آیاتی از سوره انفال و توبه)، ج۳، ص۲۱۸.

 حسین علیه السلام، سمبل احیای عدالت اسلام است. (۱)

 حسین علیه السلام، سمبل مبارزه با ظلم در دنیای اسلام است. (۲)

 حسین علیه السلام، حماسه شهادت است. (۳)

 حسین علیه السلام، شعار عدالت اسلامی است. (۴)

 امام حسین علیه السلام، از آن قله های بسیار مرتفع و یکی از سازندگان بزرگ تاریخ بشر است. (۵)

 حسین علیه السلام، سرود انسانیت است؛ نشید (۶) انسانیت است و به همین دلیل نظیر ندارد، و به جرئت عرض می کنم که نظیر ندارد. (۷)

 هرگز نمونه ای از یک مکتب عملی در دنیا پیدا نمی کنید که نظیر مکتب حسین بن علی علیه السلام باشد. (۸)

 وقتی ما به صحنه عاشورا و به صفحه روز عاشورا نگاهی می کنیم، در آنجا چه می بینیم؟ تجلی اسلام و تجلی معنویت اسلام را می بینیم. (۹)

 حسین بن علی علیه السلام یک روح بزرگ و یک روح مقدس است. (۱۰)

 حسین بن علی علیه السلام، سراسر وجودش حماسه است. (۱۱)

 امام حسین علیه السلام یک سوژه بی نظیری است در اسلام، از نظر تجدید

۱- پانزده گفتار، ص۱۸۹.
۲- پانزده گفتار، ص۱۸۹.
۳- پانزده گفتار، ص۱۸۹.
۴- پانزده گفتار، ص۱۸۹.
۵- پانزده گفتار، ص ۳۱۰.
۶- «شعری که در جمعیت یا انجمنی برای یکدیگر بخوانند، ... در فارسی به معنی سرود و آواز نیز گفته می شود.» فرهنگ عمید.
۷- حماسه حسینی، ج ۱، ص۲۶.
۸- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۸۰.
۹- پانزده گفتار، ص ۲۱۸.

۱۰- حماسه حسینی، ج۱، ص۱۴۲.

۱۱- حماسه حسینی، ج۱، ص۱۴۷.

حیات اخلاقی و اجتماعی اسلام و از نظر برانگیختن احساسات انقلابی و حماسی و از نظر ایجاد و تکوین شخصیت. (۱)

 حسین بن علی علیه السلام یک سوژه بزرگ اجتماعی است. (۲)

 امام حسین علیه السلام حماسه اسلامی را زنده کرد و به این جهت به اسلام حیات بخشید. (۳)

 کلید شخصیت حسین علیه السلام، حماسه است، شور است، عظمت است، صلابت است، شدّت است، ایستادگی است، حق پرستی است. (۴)

 حسین علیه السلام یک شخصیت حماسی و حادثه کربلا یک داستان حماسی، و شعارهای حسینی شعارهای حماسی است. (۵)

 این اصل بزرگ اسلامی [کرامت نفس] در وجود ابا عبداللّه تجسم پیدا کرد و تمام حیات آن حضرت، پر است از شعارهای کرامت نفس. (۶)

 حماسه به طور کلی توجه به نوعی کیفیت معنوی زندگی است... نوعی کیفیت است که واقعیت دارد و آن اینکه حیات شخص یا ملت، محکوم دیگران نباشد. (۷)

 از ملتی هر چیز منهدم شود قابل جبران و اصلاح است، مگر حماسه ملی و روح ملی که ملت را به دنبال خود می برد. (۸)

 اثر و خاصیت یک سخن یا تاریخچه و یا شخصیت حماسی، این است که در روح، موج به وجود می آورد، حمیّت و غیرت به وجود

۱- حماسه حسینی، ج۳، ص۳۲۳.

۲- حماسه حسینی، ج۱، ص۱۷۵.

۳- حماسه حسینی، ج۳، ص۳۲۳.

۴- حماسه حسینی، ج۱، ص۱۴۹.

۵- حماسه حسینی، ج۳، ص۳۱۵.

۶- حماسه حسینی، ج۳، ص۳۸۱.

۷- حماسه حسینی، ج۳، ص۳۳۲.

۸- حماسه حسینی، ج۳، ص۳۲۳.

می آورد، شجاعت و صلابت به وجود می آورد. در بدن ها، خون ها را به حرکت و جوشش درمی آورد و تن ها را از رخوت و سستی خارج می کند و آنها را چابک و چالاک می نماید. (۱)

 حماسه، نوعی احساس شخصیت است در مقابل دیگران. (۲)

 از نظر اسلام، همه حماسه های قومی مذموم است. (۳)

 در جهان یک شخصیت حماسی مانند شخصیت حسین بن علی علیه السلام از نظر شدّت حماسی بودن و از نظر علوّ و ارتفاع حماسه، یعنی جنبه های انسانی، نه جنبه قومی و ملّی پیدا نخواهید کرد. (۴)

 روح امام با امور پَست جسمی سروکار ندارد، سروکارش با معانی عالی و بلند است. (۵)

 روح حسین علیه السلام، روح خاصی است که به دَنی و پستی تن نمی دهد، طالب «مَعالِی الْأُمُور (۶)»[کارهای بلند] است. (۷)

 روح [غیرت] از روز اول تا لحظه آخر در وجود مقدّس حسین بن علی علیه السلام متجلّی بود. (۸)

 حسین علیه السلام، آن کوه وقار (است). (۹)

 او [امام حسین علیه السلام] هرگز از روزگار شکایت نکرد. (۱۰)

۱- حماسه حسینی، ج۱، صص ۱۶۲ و ۱۶۳.

۲- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۳۱.

۳- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۳۱.

۴- حماسه حسینی، ج۱، ص ۱۲۱.

۵- حماسه حسینی، ج۱، ص ۳۶۵.

۶- وسائل الشیعه، ج۱۷، ص۷۳.

۷- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۷۱.

۸- حماسه حسینی، ج۲، ص۳۲.

۹- فلسفه اخلاق، ص۱۹۲.

۱۰- حماسه حسینی، ج۳، ص۳۲۲.

 در حادثه کربلا یکی از شاخص های اخلاقی که در شخص مقدس سیدالشّهدا و یاران و اهل بیتش نمودار است، این حالت اخلاقی است که ما تن به ذلّت نمی دهیم. (۱)

 حماسه های امام حسین علیه السلام، همه در اطراف کرامت و عزّت و شرافت و نفاست نفس دور می زند. (۲)

 در کلماتی که از امام حسین علیه السلام رسیده است، عزّت و شرافت و کرامت انسانی موج می زند. (۳)

 سخنان حسین علیه السلام، حکایت از یک غیرت الهی می کند و مفتاح شخصیت اوست. (۴)

 هر جمله اش [سخنان امام حسین علیه السلام] سزاوار است که با آب طلا نوشته شود و در همه دنیا پخش گردد و این، باز هم کم است. (۵)

 خطابه های حسین بن علی علیه السلام نمونه ای است از خطابه های پدرش علی علیه السلام . همان روح و همان معانی در اینها موج می زند. (۶)

 حسین علیه السلام، در دل هر مسلمان حقیقت خواه و عدالت خواهی جا دارد. (۷)

 تربت حسین علیه السلام، کعبه صاحب دلان است. (۸)

 بشر یا منطق مکر دارد، مثل اغلب سیاسیون دنیا؛ یا منطق معامله

۱- فلسفه اخلاق، ص۵۷.

۲- فلسفه اخلاق، ص۱۹۰.

۳- فلسفه اخلاق، ص۱۶۰.

۴- حماسه حسینی، ج۳، ص۳۱۹.

۵- حماسه حسینی، ج۲، ص۲۱۹.

۶- ده گفتار، ص۲۴۲.

۷- پانزده گفتار، ص۱۹۰.

۸- حماسه حسینی، ج۱، ص۱۲۵.

دارد، مثل احزاب سیاسی امروز؛ یا منطق فدا و عقیده دارد، مثل نوادر خلقت، از قبیل امام حسین علیه السلام . (۱)

 حسین علیه السلام، از دل او [حرّ] طلوع کرده است. (۲)

 اگر کسی تاریخ عاشورا را بخواند، می بیند از زنده ترین و مستندترین و از پرمنبع ترین تاریخ هاست. (۳)

 کربلا بیش از آن اندازه که نمایشگاه شقاوت و بدی و ظهور پلیدی بشر باشد، نمایشگاه روحانیت و معنویت و اخلاق عالی و انسانیت است. (۴)

 تمام فضیلت های بشری در حادثه کربلا ظاهر شد. (۵)

 صحنه کربلا را می توان تشبیه کرد به یک نمایشگاه، ولی نه نمایشگاه علم و صنعت، بلکه نمایشگاه معنویت و معرفت. (۶)

 امام حسین علیه السلام در قضایا و مسائل عاشورا از وجود مقدسش آن قدر فضائل ظهور و بروز کرد که امکان ندارد کسی واقعاً مؤمن باشد و در عمق دل و روحش امام حسین علیه السلام را دوست نداشته باشد. (۷)

 امام حسین علیه السلام به واسطه شخصیت عالی قدرش، به واسطه شهادت قهرمانانه اش مالک قلب ها و احساسات صدها میلیون انسان است. (۸)

 «اِنَّ لِلْحُسَیْنِ مَحَبَّهً مَکْنُونَهً فی قُلُوبِ الْمُؤْمِنینِ» (۹) یک محبت پوشیده ای

۱- حماسه حسینی، ج۳، ص ۱۶۱.

۲- حماسه حسینی، ج ۲، ص ۱۱۳.

۳- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۵۶.

۴- حماسه حسینی، ج۳، ص ۷۳.

۵- گفتارهای معنوی، صص ۲۵۰ و ۲۵۱.

۶- حماسه حسینی، ج ۳، ص ۷۲.

۷- آشنایی با قرآن (تفسیر سوره های صف، جمعه، منافقون، تغابن)، ج ۸، ص ۳۱۳.

۸- قیام و انقلاب مهدی(عج) به ضمیمه شهید، ص ۱۲۲.

۹- همچنین از پیامبر اکرم(ص) روایت شده است: «ان للحسین فی بواطن المؤمنین، معرفه. حسین در باطن مؤمنان، معرفت پنهان دارد.» بحارالأنوار، ج۴۳، ص ۲۷۲.

نسبت به حسین علیه السلام در دل های مؤمنین هست. (مکنون یعنی در آن سرِّ ضمیر، در آن ضمیر باطن و ناآشکار)، در ضمیر ناآشکار هر مؤمنی محبت حسین بن علی علیه السلام هست. (۱)

 محبت حسین علیه السلام در دل هر مؤمنی وجود دارد. (۲)

 حسین علیه السلام ... کانون محبت است. (۳)

 راز بقای امام حسین علیه السلام این است که نهضتش از طرفی منطقی است، بُعد عقلی دارد و از ناحیه منطق، حمایت می شود، و از طرف دیگر در عمق احساسات و عواطف راه یافته است. (۴)

 پیغمبر یعنی انسان کامل؛ علی یعنی انسان کامل؛ حسین علیه السلام یعنی انسان کامل؛ زهرا علیها السلام یعنی انسان کامل؛ یعنی مشخصات بشریت را دارند با کمال عالی مافوق مَلَکی. (۵)

 امام حسین علیه السلام می تواند پیشوا باشد، چون تمام مشخصات بشری را دارد. (۶)

۱- آشنایی با قرآن (تفسیر سوره های صف، جمعه، منافقون، تغابن)، ج ۸، ص۳۱۲.

۲- فلسفه اخلاق، ص۱۱۴.

۳- فلسفه اخلاق، ص۱۹۱.

۴- قیام و انقلاب مهدی[به ضمیمه شهید، ص۱۲۲.

۵- سیری در سیره نبوی، ص۳۴.

۶- سیری در سیره نبوی، ص۳۵.

اصلاح طلبی راستین

در این بخش، با عنوان «اصلاح طلبی راستین» از راه و شیوه سیدالشهدا علیه السلام در اصلاح طلبی یاد شده است.

آن جناب در برابر نظام حاکمِ فاسدِ داخلی، با آگاه سازی مردم از اسلام اموی و به قصد جلوگیری از انقراض اسلام و تغییر بنیادین در تشکیلات اجتماعی، زمان شناسانه «عارِفا بِزَمانِهِ»، با تاکتیک و انتظار فرصت مناسب، حساب شده در پاسخ به بیعت و دعوت و امر به معروف و نهی از منکر، با رهبری شایسته و شگفت انگیزِ خود، منطقی قیام کرد و مانع نابودی اسلام شد.

قیام امام حسین علیه السلام، قیام عقیده در برابر باطل و برای نشان دادن صراط مستقیم به مردم و ادامه راه انبیا بود. نهضت امام یک نهضت تودرتو و توبرتو است. آیه ای است مقدس در متن جامعه اسلامی؛ یک اصلاح طلبی توحیدی فراگیرِ جاندار و روح دار است، بدون سهم خواهی، «خالِصاً لِوَجْهِ اللّه» و پاک بازانه با یاران وفادار.

امام با شیوه نبوی «اَشِدّاءُ عَلَی الْکُفّارِ رُحَماءُ بَیْنَهُمْ» (۱) بر آن شد تا فکر اسلامی و اصل عدالت و امر به معروف و نهی از منکر را احیا و مسیر جامعه منحرف را تصحیح کند. ازاین رو، در هیبت یک معترض و منتقدِ دلسوز و در هیمنه یک مهاجر و مجاهدِ جانباز، مکتب عملی اسلام را تأسیس کرد تا نمونه عملی اصلاح طلبی راستین باشد.

سیدالشهدا علیه السلام با این قیام در برابر اسلام اموی به ما فهماند، اسلام حقیقی، تقوا، خداشناسی، فداکاری و گذشت در راه خدا و قیام در برابر ستم، تظاهر و ریا و دروغ و جوفروشی و گندم نُمایی است.

یاد باد آن که به اصلاح شما می شد راست

نظم هر گوهر ناسفته که حافظ را بود (۲)

 تا نظام حاکمِ فاسد وجود دارد هر اقدام دیگری یا بی فایده است یا کم فایده. (۳)

 تا آن اساس درست و اصلاح نشود و درحقیقت تغییری بنیادین در تشکیلات اجتماعی به وجود نیاید، کوشش برای تأمین سایر هدف ها به نتیجه نمی رسد و درحقیقت باید گفت بی مورد است. (۴)

 در اصطلاح اسلامی وقتی گفته می شود اصلاح، نقطه مقابل افساد است، اعم از آنکه تدریجی و ظاهری و به اصطلاح عَرَضی باشد یا بنیادی و جوهری. (۵)

۱- «بر کافران، سخت گیر [و] با همدیگر مهربانند». فتح: ۲۹.

۲- دیوان حافظ، غزل ۲۰۴.

۳- پیرامون جمهوری اسلامی، ص ۷۸.

۴- پیرامون جمهوری اسلامی، ص ۷۸.

۵- پیرامون جمهوری اسلامی، ص ۸۰.

 این امر یعنی آگاه شدن مردم از ماهیت حکومت اموی، از عواملی بود که شرایط را برای قیام امام حسین علیه السلام مساعد می کرد. (۱)

 واقعاً اگر مبارزه علی علیه السلام و حسین بن علی علیه السلام و ائمه اطهار علیه السلام نبود اینها [بنی امیه] اسلامی ساخته بودند که هیچ کفری با آن برابری نمی کرد. (۲)

 واقعاً اگر قضایای کربلا نبود و امام حسین علیه السلام قیام نمی کرد و سبب نمی شد که یزید از بین برود و او همان بیست سالی را که معاویه خلیفه بود خلافت می کرد، اصلاً حوزه اسلام منقرض می شد. (۳)

 زمان امام حسین علیه السلام یک دوره اختناق کامل بود. (۴)

 در شرایط زمان امام حسین علیه السلام مسئله اصلی اسلام، یزید و دارودسته او بود. (۵)

 امام حسین علیه السلام در شرایط زمان خودش می جنگد. (۶)

 ... حکومت یزید سمبل جریانی بود که می خواست فکر اسلامی را از بین ببرد و امام حسین علیه السلام برای احیای فکر اسلامی جنگید. (۷)

 حسین بن علی علیه السلام برای تصحیح مسیر یک جامعه منحرف قیام کرد. (۸)

 حسین بن علی علیه السلام آنجا که با لجاج دشمن روبه رو می شود، سر را

۱- اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، صص۲۲۶و۲۲۷.

۲- پانزده گفتار، ص۳۱۷.

۳- اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، ص۲۲۷.

۴- سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۱۲۱.

۵- پیرامون انقلاب اسلامی، ص۱۸۲.

۶- آشنایی با قرآن (تفسیر سوره های صف، جمعه، منافقون، تغابن)، ج ۸، ص ۱۱۰.

۷- حق و باطل به ضمیمه احیای تفکر اسلامی، ص۴۴.

۸- امامت و رهبری، ص۲۱۴.

چنان بالا- می گیرد که هیچ قدرتی نمی تواند خم به ابروی او بیاورد تا چه رسد که این سر را پایین بیاورد، ولی وقتی هم مواجه می شود با اشخاصی که باید اینها را ارشاد و هدایت بکند احیاناً از بی اعتنایی هایشان هم صرف نظر و چشم پوشی می کند. (۱)

 اگر امام حسن علیه السلام تا بعد از معاویه زنده می بود و در همان موقعی قرار می گرفت که امام حسین علیه السلام قرار گرفت، قطعاً قیام می کرد. (۲)

 امام حسن علیه السلام همان برنامه را اجرا کرد که امام حسین علیه السلام اجرا کرد و امام حسین علیه السلام همان برنامه را اجرا کرد که امام حسن علیه السلام اجرا کرد. فقط شکل کارشان با هم فرق داشت، ولی روح هر دو یکی بود. (۳)

 اگر امام حسین علیه السلام در زمان امام صادق علیه السلام و یا امام رضا علیه السلام می بود، بی تردید همان گونه عمل می کرد که آن دو بزرگوار عمل کردند. (۴)

 [امام حسین علیه السلام] برای قیام به سیف، بهترین وقت را این دانست که صبر کند معاویه بمیرد. (۵)

 اسلام، تاکتیک و انتظار فرصت بهتر را جایز، بلکه واجب می داند. (۶)

 از نظر منطق روایات و طبق اعتقاد خاص ما به جنبه مافوق بشری، یعنی جنبه ارتباط و اتصال امام به عالَم مافوق بشری، تمام کارهای امام حسین علیه السلام، حساب شده و از روی پیش بینی بوده، تصادف و اشتباه در آنها وجود ندارد. (۷)

۱- سیری در سیره نبوی، ص۲۲۷.

۲- سیری در سیره ائمه اطهار، ص۸۶.

۳- اسلام و مقتضیات زمان، ج۱، ص۲۲۷.

۴- پیرامون انقلاب اسلامی، ص۱۸۳.

۵- حماسه حسینی، ج۳، ص۱۱۳.

۶- حماسه حسینی، ج۳، صص ۱۱۲ و ۱۱۳.

۷- حماسه حسینی، ج۳، ص۳۴۸.

 حسین علیه السلام، یک مرد معترض و منتقد است، مردی است انقلابی و قیام کننده، یک مرد مثبت است. (۱)

 ابا عبداللّه علیه السلام یک مصلح بود. (۲)

 حسین بن علی علیه السلام در منطق قرآن، هم مهاجر است و هم مجاهد. (۳)

 کسی که از روز اول هم مهاجر بود و هم مجاهد، وجود مقدس حسین بن علی علیه السلام بود. (۴)

 حسین علیه السلام، مکتب عملی اسلام را تأسیس کرد. حسین علیه السلام نمونه عملی قیام های اسلامی است. (۵)

 قیام حسین بن علی علیه السلام قیام امر به معروف و نهی از منکر بود، قیام برای عدل اسلامی بود. (۶)

 اصل عدالت، اصل امر به معروف و نهی از منکر، به وسیله یک امام مفترض الطاعه وقت، احیا شده است. (۷)

 یک مسلمان از آن جهت که مسلمان است هروقت ببیند به حق رفتار نمی شود و جلو باطل گرفته نمی شود، وظیفه اش این است که قیام کند و آماده شهادت گردد. (۸)

 ضرر اینها [که بین فلسطینی ها و اسرائیلی ها فرق نمی گذارند] بر

۱- حماسه حسینی، ج۲، ص۳۲.

۲- حماسه حسینی، ج۱، ص۲۱۹.

۳- گفتارهای معنوی، صص ۲۵۰ و ۲۵۱.

۴- گفتارهای معنوی، ص ۲۵۱.

۵- حماسه حسینی، ج۱، صص ۴۶ و ۴۷.

۶- پانزده گفتار، ص۲۱۷.

۷- پانزده گفتار، ص۲۱۷.

۸- ده گفتار، ص ۲۵۰.

امّت اسلام، از لشکر یزید بر حسین بن علی علیه السلام بیشتر است. (۱)

 آدمی که این فکر [یعنی فرق نداشتن فلسطینی ها و اسرائیلی ها] را در میان مردم تبلیغ بکند، ضررش بر اسلام، از لشکر یزید بر امام حسین علیه السلام کمتر نیست. (۲)

 جنگ حسین علیه السلام جنگ مسلکی و عقیده ای بود، پای عقیده در کار بود، جنگ حق و باطل بود. (۳)

 حسین علیه السلام، همه اش دنبال هدایت مردم است. (۴)

 اصلی ترین وظیفه رهبر دینی، نشان دادن صراط مستقیم و مبارزه با انحراف ها و تحریف ها است. (۵)

 امام حسین علیه السلام همان راهی را رفت که آن انبیا رفتند. (۶)

 اعتراض به اینکه امام حسین علیه السلام چرا فداکاری کرد و تسلیم نشد و حفظ جان نکرد، اعتراض به همه انبیا و اولیا است. (۷)

 [امام حسین علیه السلام] منطقش در امتناع از بیعت، منطق یک انسان باشرف بود و نه بیشتر و منطقش در مقابل عامل دعوت، منطق یک سیاست مدار ورزیده و صالح بود و منطقش در مقابل عامل سوم [امر به معروف و نهی از منکر] منطق شهید بود. (۸)

۱- آشنایی با قرآن (آیاتی از سوره انفال و توبه)، ج۳، ص ۲۲۸.

۲- آشنایی با قرآن (آیاتی از سوره انفال و توبه)، ج۳، ص ۲۲۸.

۳- آشنایی با قرآن (آیاتی از سوره انفال و توبه)، ج۳، ص ۲۵۰.

۴- گفتارهای معنوی، صص۱۳۲ و ۱۳۳.

۵- پیرامون انقلاب اسلامی، ص۱۸۳.

۶- حماسه حسینی، ج۳، ص ۴۱.

۷- حماسه حسینی، ج۳، ص ۴۱.

۸- حماسه حسینی، ج۳، ص۱۷۵.

 دعوت مردم کوفه، علت نهضت امام نیست؛ نهضت امام علت دعوت مردم کوفه است. (۱)

 می گویم حادثه کربلا، نمی گویم قیام؛ چون بیش از قیام است، نمی گویم نهضت؛ چون بیش از نهضت است. (۲)

 نهضت امام حسین علیه السلام یک نهضت چندمقصدی و چندجانبه ای و چندبُعدی است. (۳)

 نهضت حسینی، نهضتی متشابه است و ذووجوه و عمیق و چندجانبه و چندبعدی و چندلایه است. (۴)

 [حادثه کربلا، اولاً] از نظر هدف و مقصد و ایده و فکر، حامل همه ایده های اصلی اسلام است نه یک جنبه خاص؛ ثانیاً از نظر بازی کنندگان و متعهدان به نقش. (۵)

 یک حادثه توحیدی کامل، جامع همه مراتب است. (۶)

 واقعاً حادثه های اخلاقی و نهضت های بزرگ الهی، آیه ای هستند از آیات الهی در کتاب مقدس تکوین. (۷)

 در کربلا۔ جمله های تاریخی زیاد گفته شده است که گذشته از اینکه از یک انسانیت کامل و ایمان خارق العاده و از یک حماسه پرشور حکایت می کند؛ چون این جمله ها با خون نوشته و ثبت شده است، ارزش دیگری دارد و به علاوه از این شعارها، به روح حسینی و ماهیت نهضت حسینی

۱- حماسه حسینی، ج۲، ص۳۸.

۲- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۲۹۰.

۳- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۸۶.

۴- حماسه حسینی، ج۳، ص۳۳۷.

۵- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۴۳.

۶- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۴۵.

۷- حماسه حسینی، ج۳، ص ۲۸۰.

می توان پی برد. (۱)

 این حادثه [حادثه کربلا] صددرصد یک حادثه اسلامی است. (۲)

 حادثه کربلا، یک تجسّم است از اسلام در همه جنبه ها، اما جاندار و روح دار. (۳)

 قیام امام حسین علیه السلام، این عنصر [خالصاً لِوَجْهِ اللّه بودن] را در حد اعلی، واجد بود. (۴)

 اساسی ترین جنبه های قیام حسینی، جنبه پاک بازی او در راه حق است. (۵)

حضرت [ابا عبداللّه علیه السلام] هر کاری که لازم بود انجام دهد تا افراد [و یارانش] خالصاً و مخلصاً در آنجا [کربلا] بمانند، انجام داد. (۶)

 اینها [شهدای کربلا] جوهره انسانیت هستند؛ مصداق «إِنِّی جاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَةً» (۷) هستند، اینها بالاتر از فرشته هستند. (۸)

 اساساً حسین علیه السلام حاضر نبود فردی که کوچک ترین نقطه ضعفی در وجودش هست، همراهشان باشد و لهذا دو سه بار در بین راه غربال کرد. (۹)

 اصحاب ابا عبداللّه علیه السلام از کمیّت حیات گذشتند و همه حیات را و خوشی های حیات را ــ خوشی هایی که فقط عده معدودی از صاحبان

۱- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۷۸.

۲- حماسه حسینی، ج۳، ص ۴۸.

۳- حماسه حسینی، ج۳، ص۳۴۳.

۴- حماسه حسینی، ج۳، ص۵۲.

۵- حماسه حسینی، ج۱، ص۲۹۳.

۶- حماسه حسینی، ج۱، صص ۲۷۹ و ۲۸۰.

۷- «من در زمین، جانشینی خواهم گماشت». (بقره: ۳۰)

۸- حماسه حسینی، ج۱، ص ۳۵.

۹- حماسه حسینی، ج۲، ص ۱۱۰.

روحیه عظیم، آن را درک می کنند _ در یک نصف روز به علاوه یک شب، جمع کردند برای خود. (۱)

 شجاعت و قوّت قلبی که ابا عبداللّه علیه السلام در روز عاشورا از خود نشان داد، همه [شجاعان] را فراموشاند. (۲)

 اولین کسی که حساب دستگاه خلافت [اموی] را از اسلام جدا کرد امام حسین علیه السلام بود. قیام امام حسین علیه السلام چنین اثری داشت. فهمانید که اسلام، تقوا و خداشناسی و فداکاری و گذشت در راه خداست، نه آن چیزی که دستگاه خلافت اموی به پا کرده است. (۳)

 امام حسین علیه السلام وظیفه خودش را این می دانست که باید قیام کند، حفظ اسلام را در قیام خود می دانست. قیام او قیام در راه حق و حقیقت بود. (۴)

 حسین بن علی یک شورش و انقلاب مقدس را علیه ظلم و ستم و علیه تظاهر و ریا و دروغ و جوفروشی و گندم نمایی، یک قیام امر به معروف و نهی از منکر را رهبری کرد، یک قیام مصلحانه را رهبری کرد. (۵)

 حسین بن علی علیه السلام رهبر یک قیام انقلابی در داخل اسلام بود. (۶)

 داستان امام حسین علیه السلام نمونه یک رهبری لایق است. (۷)

 داستان حسین بن علی علیه السلام از نظر حُسن رهبری و نفوذ رهبر،

۱- حماسه حسینی، ج۳، ص۱۶۵.
۲- حماسه حسینی، ج۲، ص۲۲۳.
۳- امامت و رهبری، ص۳۲.
۴- ده گفتار، ص ۲۴۹.
۵- امامت و رهبری، ص۲۱۴.
۶- امامت و رهبری، ص۲۱۴.
۷- امامت و رهبری، ص۲۳۷.

شگفت انگیز است. داستان این هفتادودو تن از نظر رهبری و رهبری پذیری نمونه بی نظیری در جهان است. (۱)

 برای امام حسین علیه السلام، مسئله این نیست که کشته بشود یا کشته نشود، مسئله این است که دین کشته نشود. (۲)

۱- امدادهای غیبی در زندگی بشر، ص۱۲۳.

۲- سیری در سیره نبوی، ص۱۴۳.

قصه عروج

در این بخش به «قصه عروج» از شهادت و شهید پرداخته ایم.

شهادت یعنی راه مقدس، هدف مقدس، پاک باختگی یعنی یک پیام، یک وصیت برای جامعه و آینده؛ تزریق غیرت و حَمیّت در رگ های جامعه. شـهادت یعنی یک نگارش نورانی بر پیشانی تاریخ؛ یک موفقیت؛ آموزه ای الهام بخش که با جوانمردی پیوند دارد و اسلام را در مرحله عمل، زنده نگه داشته است.

واژه شـهید، نیک نوشت و خوش سـرنوشت است. ماندگاری و نُمایانی سرخی خون شهید، کارکردی شگرف در جامعه به جا می گـذارد. خون شـهید، همواره با صـداقت و خلوص و اراده و اندیشه، درآمیخته است. منطق شـهید با منطق امر به معروف و نهی از منکر، گِره خورده است. منطق شـهید، فراتر از منطق عقل عملیِ سوداندیش است. امام حسـین علیه السـلام در راه حق و علیه باطل کشته شد، نه برای منافع شخصی یا به عنوان فدیه گناهان

امت. «امام حسـین علیه السلام، شهید فراموش کاری مردم شد.» (۱) عاشورا، روز شـهید است. «شهادت امام حسین علیه السلام ... همه شهادت ها را تحت الشّعاع قرار داد.» (۲) «امام حسین علیه السلام سیدالشهدای همه زمان ها است». (۳)

حماسه از چنته شـهید، بروز یافته است. شـهید خَدوم ترین انسان ها به بشـریت است. شـهید «شـمع محفل بشـریت» است. همه، مدیون شهیدند.

امید است یاد شـهدایی که در ایران اسلامی به فوز شهادت نائل شده اند، در سیل خواهش های نوآمدِ زندگی، هرگز فراموش نشود.

جلوه رنج من این است که در همهمه مهمانی

و در آن لحظه شهد

دوستانم ز شهادت، میْ بنوشند، ولی

جرعه ای از قَدَحَش بر لبِ جان من بیچاره نشد!

کی نوبت ما می شود؟ الله داند کی این قفس وا می شود؟ الله داند (۴)

 به کسی شهید گفته می شود که در یک راه مقدس و برای هدفی مقدس جان خود را از دست بدهد. (۵)

 این تفاوت میان شهید و دیگران هست که شهید پاک باخته است. (۶)

 اطراف کلمه شهید را هاله ای از قدس و تعالی احاطه کرده است. (۷)

۱- حماسه حسینی، ج۳، ص ۴۷

۲- قیام و انقلاب مهدی(عج) به ضمیمه شهید، ص ۱۰۸.

۳- قیام و انقلاب مهدی(عج) به ضمیمه شهید، ص ۱۰۹.

۴- نگارنده.

۵- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۹.

۶- حماسه حسینی، ج۳، ص ۴۰.

۷- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۹.

 رنگ خون و قرمز، ثابت ترین و نمایان ترین رنگ هاست. (۱)

 تاریخ نشان می دهد که سخنانی که با خون نوشته شده هرگز پاک نمی شود؛ زیرا از کمال صداقت و خلوص و عمق تصمیم و اندیشه حکایت می کند. (۲)

 منطق شهید یعنی منطق کسی که برای جامعه خودش پیامی دارد و این پیام را جز با خون، با چیز دیگری نمی خواهد بنویسد. (۳)

 منطق شهید، منطق دیگری است غیر از منطق عقل عملی انتفاعی. (۴)

 منطق شهید، فوق منطق های دیگر است. (۵)

 کسانی که به خاطر یک سلسله اصول و مبادی قیام می کنند و نهضت می نمایند، درحقیقت به همه جهانیان بعد از خودشان پیامی دارند و به اصطلاح معروف وصیتی دارند. آیندگان باید با پیام آنها آشنا باشند و ندای آنها را بشناسند. (۶)

 هیچ کس به اندازه شهدا به بشریت خدمت نکرده است. (۷)

 عالِم و مربی و صنعتگر و فیلسوف و منفق، مدیون شهدایند و شهدا مدیون کسی نیستند. (۸)

۱- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۶۱.

۲- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۶۲.

۳- حماسه حسینی، ج۲، ص ۲۸۰.

۴- حماسه حسینی، ج۳، ص ۱۶۱.

۵- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۶۲.

۶- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۶۲.

۷- حماسه حسینی، ج۱، ص ۱۴۵.

۸- حماسه حسینی، ج۳، ص ۴۰. البته استاد شهید، در جای دیگر نیز یاد کردند: «چقدر اشتباه است که ما با جمله «مدادُ العلماء افضل من دماء الشهدا» ارزش شهید و شهادت را پایین بیاوریم.» نک: حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۴۱، اما از رسول اللّه(ص) گزارش شده است: «اذا کان یوم القیامه، وُزِن مداد العلماء بدماء الشهداء فیُرَجَّحُ مداد العلماء علی دماء الشهداء.» نک: بحارالأنوار، ج۲، ص ۱۶، ح ۳۵.

 آنچه امروز به ما الهام می بخشد، قلم های کسانی که اسلام را روی کاغذها توصیف کرده اند نیست، بلکه قلم های کسانی است که با خون خود خطوط برجسته اسلام را بر روی بدن های خودشان، بر پیشانی شان، بر فرق شکافته شان «وَ قُتِلَ فی مِحرابِهِ لِشِدَّهِ عَدْلِهِ»، بر روی دانه دانه موهای مقدس محاسنشان، بر روی سینه و قلبشان، بر پیشانی شکسته شان، بر دندان شکسته شان، بر رگ های گردنشان نوشته اند. (۱)

 آنچه الهام بخش امروز ماست... آن جانبازی های تاریخی و آن خون های بر زمین ریخته است، آن سرگذشت های نورانی است. پیام اسلام را جهادها، هجرت ها، فداکاری ها، جانبازی ها به جهان رسانده است. (۲)

 هیچ کس به اندازه شهدای راه حق، بر بشریت حق ندارد. (۳)

 شهدا، شمع محفل بشریتند. (۴)

 شهید کسی است که به خون خود ارزش و ابدیت و جاودانگی داده است. (۵)

 هر شهادتی، نورانیت در اجتماع به وجود می آورد. (۶)

 هر شهادت، بعد از خود، نورانیّت به وجود می آورد. (۷)

 به طور کلی، شهید حماسه آفرین است. (۸)

۱- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۴۱و ۳۴۰.

۲- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۴۱.

۳- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۴.

۴- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۴.

۵- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۹.

۶- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۲۲

۷- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۴.

۸- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۲۲.

 خون شـهید، به زمین نمی ریزد، بلکه هزار برابر می شـود و به دیگران تزریق می شود و در رگ هـای دیگران برای همیشـه جریان می یابـد و این است معنی جاویـد شـدن خون شـهید و این است معنی اینکه شـهدا حماسه می آفرینند و به همین جهت پیشوایان آرزوی شهادت می کردند و به همین جهت، اسلام در هر زمانی نیازمند به شهید است. (۱)

 از نظر یک انسان و از نظر خود شهید، شهادت موفقیت است. (۲)

 شهادت امام حسین علیه السلام برای خود او یک ارتقاء است و عالی ترین حدّ تکامل است. (۳)

 از نظر اسلام، شهادت حسین بن علی علیه السلام از دیدگاه فردی یک موفقیت بود. (۴)

 بینش حسـین بن علی علیه السـلام این بود که مردن یعنی یـک پـل، از جایی به جایی عبور کردن. فرمود: «وَ ما هِیِ اِلّا قَنْطَرَهٌ تَعْبِرُونَها» مرگ جز پلی که در جلو شماست و باید از آن عبور کنید چیز دیگری نیست. (۵)

 منطق حسین علیه السلام در روز عاشورا، منطق جانبازی است. (۶)

 شهادت امام حسین علیه السلام ... همه شهادت ها را تحت الشّعاع قرار داد. (۷)

 امام حسین علیه السلام سیدالشهدای همه زمان ها است. (۸)

۱- حماسه حسینی، ج۳، ص ۴۰.

۲- حماسه حسینی، ج۱، ص ۱۲۹.

۳- قیام و انقلاب مهدی(عج) به ضمیمه شهید، ص ۱۱۸.

۴- حماسه حسینی، ج۱، ص ۱۲۹.

۵- پانزده گفتار، ص ۲۱۸.

۶- حماسه حسینی، ج۱، ص۲۶.

۷- قیام و انقلاب مهدی(عج) به ضمیمه شهید، ص ۱۰۸.

۸- قیام و انقلاب مهدی(عج) به ضمیمه شهید، ص ۱۰۹.

 منطق امر به معروف و نهی از منکر، منطق حسین علیه السلام را منطق شهید کرد. منطق شهید ماورای این منطق ها است. (۱)

 یک وقت انسان، غالب می شود، ولی با نامردی و یک وقت کسی کشته می شود، اما با مردانگی. (۲)

 یکی از علل و یا مهم ترین علت شهادت امام حسین علیه السلام و یا مهم ترین علت گرویدن مردم به امویان، جهالت مردم بود. (۳)

 امام حسین علیه السلام، شهید فراموش کاری مردم شد. (۴)

 کارگردانان این حادثه [حادثه کربلا] یک عده مردمی بودند که جانی بالفطره بودند. (۵)

 اینها [دشمنان سیدالشهدا] انواع قساوت ها کردند که در نوع خود در دنیا یا بی نظیر است یا کم نظیر. درمجموع شاید بشود گفت بی نظیر است. (۶)

 حوادث و وقایع عاشورا، همه، وقایعی است که با خون نوشته شد. (۷)

جریان شهادت «عبداللّه رضیع» و پاشیدن خون گلوی طفل شیرخوار، خود، یک صفحه ای است که با خون نوشته شد. (۸)

 امام حسین علیه السلام کشته نشد برای منفعت شخصی، امام حسین علیه السلام کشته نشد برای اینکه خودش را فدای گناهان امت کرده باشد، امام

۱- حماسه حسینی، ج۲، ص ۲۸۰.

۲- پانزده گفتار، ص ۱۹۸.

۳- حماسه حسینی، ج۳، ص۴۷.

۴- حماسه حسینی، ج۳، ص۴۷.

۵- حماسه حسینی، ج۳، ص۴۸.

۶- گفتارهای معنوی، ص ۳۰۰.

۷- حماسه حسینی، ج۳، ص۳۶۱.

۸- حماسه حسینی، ج۳، ص۳۶۱.

حسین علیه السلام در راه حق کشته شد، در راه مبارزه با باطل کشته شد. (۱)

 شب عاشورا ... [شب] معراج بود، یک دنیا شادی و بهجت و مسرت [در آن] حکم فرما بود. (۲)

 در اسلام یک روز است که روز شهید است و آن روز عاشورا است. (۳)

 ابا عبداللّه در روز عاشورا افتخاری به اصحاب خودش داد، پاداشی به اصحاب خودش داد که این پاداش برای همیشه در تاریخ ثبت شد. (۴)

 اصحاب ابا عبداللّه در روز عاشورا خیلی مردانگی نشان دادند، خیلی صفا و وفا نشان دادند، هم زنان و هم مردان آنها. واقعاً تابلوهایی در تاریخ بشریت ساختند که بی نظیر است. (۵)

 حسین بن علی با هفتادودو نفر کشته شد، یک شهادت آبرومندانه و در یک وضع و شرایط خاص که هزاروسیصد سال دارد اسلام را آبیاری می کند. (۶)

 اساساً فلسفه شهادت حسین بن علی علیه السلام این بود که می خواست اسلام را در مرحله عمل زنده کند. (۷)

 امام حسین علیه السلام یک منطق بالاتری دارد. منطق او منطق شهید است، منطق شهید مافوق منطق افراد عادی است. (۸)

۱- ده گفتار، ص۲۵۱.

۲- گفتارهای معنوی، ص۱۲۴.

۳- قیام و انقلاب مهدی(عج) به ضمیمه شهید، ص۱۲۵.

۴- گفتارهای معنوی، ص۲۵۴.

۵- گفتارهای معنوی، ص۲۷۷.

۶- اسلام و مقتضیات زمان، ج۱، ص۶۶.

۷- حق و باطل به ضمیمه احیای تفکر اسلامی، ص۹۹.

۸- قیام و انقلاب مهدی(عج) به ضمیمه شهید، ص۱۰۲.

 شهدا در میان همه صلحا و سُعدا می درخشند و اصحاب امام حسین علیه السلام در میان همه شهدا. (۱)

 جنگ روز عاشورا با یک تیر آغاز شد و با یک تیر پایان یافت. (۲)

۱- قیام و انقلاب مهدی(عج) به ضمیمه شهید، ص۱۲۵.

۲- سیری در سیره نبوی، ص۱۴۵.

امام حسین علیه السلام و آینده

در این بخش، با عنوان «امام حسین علیه السلام و آینده» به کارکرد قیام آن جناب در آینده اشاره شده است.

حرکت امام حسین علیه السلام دَمش حیات در کالبد جامعه اسلامی بود! امام دین را احیا کرد و امروزه زنده تر شدن مکتب و راه حسین علیه السلام به دست ماست. ما همان آیندگانی هستیم که سیدالشهدا علیه السلام برای آنها به شهادت رسید. راستی ما کجای وظیفه مان ایستاده ایم؟ و در زندگی فردی و اجتماعی، در جایگاه های علمی و اجرایی و جمعی خودمان چگونه ایم؟ آیا از نسیم رحمانی عاشورا، نصیبه ای به ما رسیده است؟ آیا ما زنده ایم یا مرده؟ باایمانیم یا بی ایمان؟ آزادیم یا در بند؟ چابک و چالاکیم یا سست و بی نشاط؟ با دل و جرئتیم یا ترسو؟ آیا حلال خوریم؟ با ضعفا و مظلومانیم؟ یا با شکم بارگانِ دروغ گوی حرام خوارِ ستم پیشه؟ یار حسینیم یا در برابر او؟ بال اوییم یا بار او؟

از یاد نبریم که نگهداشت مکتب و راه امام حسین علیه السلام فقط سفره گذاری و اِطعام و خیال پردازی های سخت افزاری در عَلَمات نیست. چه بسیار

کسانی که از دل و جان و فکر و عمل خود در گرایش های خرافی، پاسبانی نکردند و در یغمارفتگی، خود «راهزن راه خدا» شدند!

اگر «کُلُّ یَوْمٍ، عاشُورا» است پس هرکس بنگرد کجای عاشورای امروز، ایستاده است! در لشکر سی هزار نفری یا در گردانی کوچک؟ شمر است یا حرمله؟ زُهیر است یا حبیب بن مظاهر؟ حُرّ است یا کس دیگر؟ اگر حُرّ است، حُرّ قبل از توبه است یا حُرّ پس از توبه؟ اگر حُرّ پیش از توبه است یقین بداند که نفرینِ سیدالشهدا علیه السلام : «ثَکَلَتْکَ اُمُّک» دامنش را خواهد گرفت و اگر حُرّ پس از توبه است باز یقین بداند که بشارت امام: «اَنْتَ حُرٌّ کَما سُمِّیْتَ فی الدُّنیا و الآخره.» (۱) شامل حالش می شود.

به یادمان بسپاریم که ملاک حسینی شدن و بودن و ماندن، عمل به آموزه های دین است نه چیز دیگر. هرکس در هر کجای آینده عاشورا قرار گرفته، تنها با این معیار، حسینی است و بس.

هرکس ادعای دوستی با امام حسین علیه السلام، این ترجمان محبت نماز و تجلّی عمل به احکام الهی را دارد باید با نماز و روزه و زکات و خمس، میانه اش خوب باشد.

یقیناً اهل بیت علیهم السلام می دانستند در آینده عده ای ظهور می کنند که از امام حسین علیه السلام دم می زنند، ولی هیچ به خواندن نماز و گرفتن روزه و ادای زکات و عمل به احکام خدای متعال، پایبند نیستند. حتی خوف آن می رفت که این دسته، کارِ پاکان را قیاس از خود بگیرند و امام حسین علیه السلام را بی نماز معرّفی کنند. ازاین رو، رسماً حساب اینان را از امام حسین علیه السلام

۱- «تو حُرّی (آزادی)، چنان که در دنیا و آخرت، حُرّ نامیده شدی.» بحارالأنوار، ج۴۴، ص۳۱۹.

جدا دانسته، اعلام کردند: امام حسین علیه السلام برای اقامه نماز و ادای زکات و... قیام کرد و شهید شد.

چو یادِ قامت دلجوی او کند شمشاد

رَوَد به طرْف لب جوی و در نماز آید (۱)

 سیدالشهدا علیه السلام دانست که شهادتش اثر مفید دارد، قیام کرد و شهید شد و اثرش هنوز هم باقی است. (۲)

 در عصر امام حسین علیه السلام آن نهضت ضرورت داشت و آن نیز آن طور بجا و مناسب بود که اثرش هنوز باقی است. (۳)

 گاهی اثر قیام و جهاد برای اسلام نافع تر است و گاهی اثر سکوت و تقیه؛ گاهی شکل و صورت قیام فرق می کند، همه اینها بستگی دارد به خصوصیت عصر و زمان و اوضاع و احوال روز و یک تشخیص عمیق در این مورد ضرورت دارد. اشتباه تشخیص دادن، زیان ها به اسلام می رساند. (۴)

 حسین علیه السلام را یک روز کشتند و سر او را از بدن جدا کردند، اما حسین علیه السلام که فقط این تن نیست، حسین علیه السلام که مثل من و شما نیست؛ حسین علیه السلام یک مکتب است و بعد از مرگش زنده تر می شود. (۵)

 بزرگ ترین اثر حادثه کربلا این بود که پرده نفاق را درید و حساب سلطنت، عملاً از حساب دین جدا شد. (۶)

۱- دیوان اشعار خواجوی کرمانی، غزل ۴۵۰.

۲- بیست گفتار، ص ۱۵۹.

۳- بیست گفتار، ص ۱۵۵.

۴- بیست گفتار، ص ۱۵۶.

۵- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۲۵.

۶- حماسه حسینی، ج ۳، ص ۲۱۷.

 [امام حسین علیه السلام] شخصیت معنوی مسلمانان را بیدار و احیا کرد، در آنها حماسه ای را که مرده بود، زنده کرد. (۱)

 [امام حسین علیه السلام] حماسه اسلام را احیا کرد، به روح ها شخصیت، حریت، غیرت، آزادگی ایدئال داد و خون ها را به جوش آورد، رخوت را از بدن ها گرفت و روح ها را به حرکت آورد؛ حماسه مبارزه با کفر، ظلم، ستم را احیا و تجدید کرد. (۲)

 سخن حماسی، تاریخچه حماسی، شخصیت حماسی آن است که از لحاظ روحی غیرت و حمیّت و شجاعت و سلحشوری را تحریک کند و از لحاظ بدنی خون را در عروق به جوش آورد، به بدن نیرو و حرارت و چابکی و چالاکی ببخشد، در واقع حیات تازه به بدن بدهد. به عبارت دیگر روحیه انقلاب و ثوره ایجاد کند، حسن مقاومت در مقابل ستم و ستمگر به وجود آورد. (۳)

 شخصیت حسین علیه السلام و تاریخچه حسین علیه السلام، حماسی بود؛ یعنی در روح ها غیرت، مردانگی، آزادگی بخشید و بردگی و ترس را از میان برد و خون ها را به جوش آورد. (۴)

 امام حسین علیه السلام در ملت اسلام حماسه و غیرت ایجاد کرد، حمیّت و شجاعت و سلحشوری به وجود آورد، خون ها را به جوش آورد. شهادت امام حسین علیه السلام به شکلی نبود که مرعوبیت ایجاد کند. (۵)

۱- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۲۹.

۲- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۲۴.

۳- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۲۳.

۴- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۲۳.

۵- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۳۰.

 تقویت شخصیت به این است که عشق، استغنا، غیرت، تحمل و بردباری به وجود آورد؛ ترس، برده صفتی، گداصفتی، غرور نژادی و ملی را از میان ببرد. همه اینها در حماسه حسینی وجود داشت. (۱)

امام حسین علیه السلام «پیام» خود را نه روی سنگی نوشت و نه حجّاری کرد، آنچه او گفت در هوای لرزان و در گوش افراد طنین انداخت، اما در دل ها ثبت شد؛ به طوری که از دل ها گرفتنی نیست. (۲)

 پیام امام حسین علیه السلام بدون آنکه در صفحه سنگی یا لوحه فلزی حک شود، چون با خون خودشان و با اینکه صرفاً روی صفحه لرزان هوا ثبت شد، در دل ها و سینه ها حک شد و مانند خطوط نورانی وحی در دل انبیا، برای همیشه باقی ماند. (۳)

 امام حسین علیه السلام پیام خونین خودش را روی صفحه لرزان هوا ثبت کرد، ولی چون توأم با خون و رنگ قرمز بود، در دل ها حک شد. (۴)

 جریان امام حسین علیه السلام که معدوم نشد، فانی نشد؛ تحول پیدا کرد، تبدیل شد به یک نیروی الهی که تا جهان، جهان است باقی است. (۵)

 معنی «کُلُّ یَوْمٍ عاشُورا» این است که هر روز به نام امام حسین علیه السلام با ظلم و باطلی مبارزه می شود و حق و عدالتی احیا می شود، این پیروزی است و پیروزی بالاتر از این چیست؟ (۶)

۱- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۳۰.

۲- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۲۷۶.

۳- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۶۳.

۴- حماسه حسینی، ج۲، ص ۲۸۰.

۵- آشنایی با قرآن (تفسیر سوره های صف، جمعه، منافقون، تغابن)، ج۷، ص ۲۷.

۶- حق و باطل به ضمیمه احیای تفکر اسلامی، ص ۴۵.

 یزیدها و ابن زیادها می روند، ولی حسین ها و عباس ها و زینب ها باقی می مانند. البته به عنوان یک ایده، نه به عنوان یک شخص... . (۱)

 اگر از مؤمنین جهان تا دامنه قیامت بپرسند، رفراندوم کنند که شما برای حسین علیه السلام ذلّت را می پسندید یا شمشیر را، تمام مؤمنین عالم خواهند گفت ما شمشیر را می پسندیم نه ذلّت را. (۲)

۱- حق و باطل به ضمیمه احیای تفکر اسلامی، ص۴۵.

۲- فلسفه اخلاق، ص۱۵۳.

پاسداشت قیام امام حسین علیه السلام

در این بخش عنوان «پاسداشت قیام امام حسین علیه السلام» به ترتیب چند نکته را یادآور می شوم:

۱. از یـاد نبریم که «حسـین بن علی علیه السـلام می خواهـد نام او، مکتب او، زنـده باشـد، در مکتب او با هر باطلی بجنگیم، با کمونیزم بجنگیم، با ظلم، با بی عدالتی، با فساد، با فحشا، با قمار، با مُسکِرات مبارزه کنیم.» (۱)

۲. در خصوصیات دشمنان امام حسین علیه السلام دقت کنیم تا مثل آنان نباشیم و در برابر امام زمانمان(عج) قرار نگیریم، و نیز در ویژگی های خود امام حسـین علیه السلام و یاران آن جناب بیندیشیم تا ما هم اهل نماز و روزه و زکات و پاکی و راستی و درستی باشیم. عزاداری حسین علیه السلام یعنی عمل به دین و جایگزین کردن روح حسینی به جای روح یزیدی و شمری.

۳. محرم هر سال، زمانه نَفَس دهی امام حسین علیه السلام به دل و جان شیعیان و نَفَس گیری ما از آن جناب است. از یاد نبریم که امام باقر علیه السلام فرمود: «اِنَّ حَدیثَنا یُحْیِی الْقُلُوبَ؛ سخن ما اهل بیت، دل ها را زنده می کند». (۲)

۴. محرم، زمانه ظهور حسین علیه السلام است. از تابش و جذبه حسینی در

۱- ده گفتار، ص۲۷۵.

۲- بحارالأنوار، ج۲، ص۱۴۴، ح ۵.

شب و روز محرّم، بهره بگیریم. بـا درس و عبرت گیری از حـادثه کربلا، آموخته های تعقّل و تعبّد را در دل و جانمان نهادینه سازیم و با این کار، تا محرم دیگر، در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی، رذائل اخلاقی را در خودمان تضـعیف کنیم و با تقویت فضائل اخلاقی، برای رسیدن به پله ها و دریافت های بالاتر در محرم آینده، آماده باشیم.

کلاس درس و عبرت آموزی ما در جلسات و مجالس و برنامه های محرم هر سال، باید نسبت به سال های گذشته، تغییر کند. اگر یک سال در کلاس عِلمِ حسینی و در رتبه پیش دبستانی نشسته ایم، بایـد که سال دیگر به رده های بالاترِ تخصصـی، در دانشگاهِ علم و عملِ حسینی، پیشرفت کنیم. بی شک انقلاب اسلامی ایران، به رهبری «آن سفرکرده به معراج»، مانند نهضت عاشورا برای فرد و جامعه، همین هـدف را داشته است. ما در دنیای کنونی نبایـد با دارایی حسینی مان، از تعقّل و تعبّد و حظِّ عمل، محروم باشیم و از کلاس تعالی معرفت و عشق و فنای حسین علیه السلام بازبمانیم!

مبادا در جامعه اسلامی، انـدیشه هـا و دل های خواب رفته را به سود فردی و گروهی مان، خفته نگه داریم! یا دست بر کتف فطرت و وجدان خواب رفته شان نگـذاریم و بیـدارشان نکنیم! مبادا هوای پاک آگاهی و ایمان را از کسـی دریغ کنیم و او را در فضای متعفّن بی خدایی، دور از عمل به احکام الهی، خفه بگذاریم و بگذریم!

۵. با خود عهد کنیم که به قصد درآمیخته شدن با شعشعه حسینی و دریافت تلألؤ نور وجودی حسین علیه السلام برای سامان دهی اندیشه و گفتار و رفتارمان، در تکایا و مجالس و روضه خانه های حسینی، حاضر شویم.

۶. از محبت خنثا نسبت به امام حسین علیه السلام پرهیز کنیم. نه جزو کسانی

باشیم که مثلاً امام حسین علیه السلام را دوست دارند، ولی اهل نماز و روزه و زکات و خمس نیستند و نه جزو خشک مقدس ها باشیم که وصله ناجورِ دین و دین داری به حساب می آیند.

۷. آن که به خود ستم می کند حسینی نیست! پس آن که به دیگران ستم می کند، چگونه می تواند حسینی باشد؟!

۸. خطبای گرامی، مداحان و مسئولان هیئت ها و بانیان مجالس باید از این مناسبت، زمانی و مکانی و زبانی و ایمانی و حال و حضور مردم، برای ساخته شدن و تعالی فرد و جامعه و محکم سازی ایمان آنها، استفاده درست و بهنگام کنند.

۹. از تحریف و خودساخته ها برای گریاندن مردم پرهیز کنیم؛ چون کربلا چیزی از احساس و عاطفه کم ندارد که محتاج به افزودنی های غیرمجاز دیگران باشد. کربلا فقط دل آماده می خواهد.

۱۰. به گریه ها و عزاداریهای مان، محتوا و اخلاص ببخشیم و از خیال بافی و گرایش به خرافات پرهیز کنیم.

۱۱. از شعارهای بی محتوا، بی اثر، نادرست و بعضاً کفرآمیز دوری کنیم.

۱۲. شعارها و نوحه ها و مرثیه ها و شیوه های خواندن و سینه زنی مان، درخور شأن و مقام امام حسین علیه السلام باشد.

۱۳. هیئت ها و بانیان مجالس به هوش باشند تا در امور شکمی و خیالی و خودساخته های عَلَمی و چشم وهم چشمی نمانند.

۱۴. هیئت های عزاداری و بانیان مجالس باید دور از ریا و چشم و هم چشمی، به سیدالشهدا علیه السلام و عزاداران آن حضرت، خدمت کنند. حتّی گاه باید به هیئت ها و جلسات کوچک و کم بضاعت، پنهانی کمک

برسانند؛ چون نام و یاد حسین علیه السلام در کار است، نه من و ما! همه ما در محضر حسینیم.

۱۵. بر دل و ذهن و روانمان حک کنیم که حسین علیه السلام فقط به خدایی شدن ما راضی است و لاغیر، و ما تنها با ایمان و عمل صالح، خدایی می شویم و به شفاعت او می رسیم و جز این، راهی دیگر نداریم.

۱۶. مانند حضرت عباس علیه السلام و زینب کبری۳ عمل کنیم.

۱۷. هرگز به نام امام حسین علیه السلام از احکام الهی فرار نکنیم، دروغ نگوییم، سراغ کارهای ناپسند نرویم، بیت المال را مال البیت نکنیم و با هرکس دمخور و هم سفره نشویم و با خوردن اموال افراد حقیقی و حقوقی، در خیمه محرم، محرمات الهی را پوزخند نزنیم.

۱۸. از عوام فریبی در سفره گذاری و اِطعام دهی پرهیز کنیم. تمام رفتارمان در خیمه خانه امام حسین علیه السلام باید به نام و یاد آن حضرت باشد؛ یعنی با نماز و روزه و زکات و خمس و انجام واجبات و اخلاص، همخوانی داشته باشد.

یادگار من به شما اینکه: دیگر دیر شده است که کسی کارهای خود را آن هم در زمان کنونی، در لوای نام امام حسین علیه السلام از نظر مردم پنهان کند. یکی از نام های قیامت «یَوْمَ تُبْلَی السَّرائِر» (۱) است، ما هرچه به قیامت خود نزدیک تر می شویم، پنهان کاری سخت تر می شود. «اِقْتَرَبَ لِلنّاسِ حِسابُهُمْ، وَ هُمْ فی غَفْلَهٍ مُعْرِضُونَ» (۲) مگر اینکه کسی بخواهد خود را مانند کبک علناً مخفی کند.

۱۹. در خصوص گناه و گناهکار، یادگار می نویسم: امام حسین علیه السلام با

۱- «آن روز که رازها [همه] فاش شود». (طارق:۹)

۲- «برای مردم [وقت] حسابشان نزدیک شده است و آنان در بی خبری رویگردانند». (انبیا: ۱)

دل سروکار دارد نه با رنگ و سنگ و گِل. دستگاه سیدالشهدا علیه السلام دستگاه دل و صافی و زلالی و توبه و بازگشت است. هیچ کس حق ندارد این در را به روی دیگران ببندد. البته همه باید بدانند که درِ توبه باز است، ولی درِ توجیهات هرگز. سیدالشهدا علیه السلام طرف دار گناه و گناهکار نیست، طرف دار و دلسوز و بال گناهکاری است که افتاده پشیمان آمده است. آن که بر تکرار گناه و بزه، اصرار دارد خود را از این رحمت بی کران، محروم کرده است!

۲۰. در پایان وظیفه خود می دانم از گزندی که در میان ما قلم به دستان و گویندگان رخنه یافته است یاد کنم، در حال حاضر، خوشگل حرف زدن یا خوشگل نوشتن، بدون پایبندی و عمل، به ویژه در بعضی از رسانه های جمعی، در حال هنجار و معمول شدن است. یقیناً خوب حرف زدن و خوبْ نوشتن و حرف های خوب و نوشته های خوب، لازم است، اما نه اینکه خوبْ حرف زدن و خوبْ نوشتن، به خاطر بی طاقتی در عمل، جای حرف ها و نوشته های خوب را بگیرد! ما باید از این آسیب و بیماری، پرهیز کنیم. این رفتار، خواسته یا ناخواسته یک فراخوان عمومی است و در رفتار جامعه، اثر می گذارد! اعتقادِ بدون عمل، همان باورِ میان تُهی است که بدترین خطر برای جامعه دینی به شمار می آید. این، شبیه به وارونه پوشیدن بالا-پوشِ زیبا در یک مهمانی باکلاسی است که باعث خنده همه مهمانان می شود! حدیثی را که از امام باقر علیه السلام در پیش گفتار کتاب، یاد کردم به یاد بسپارید: «...ما بندگان او هستیم و با گردنکِشی، از عبادتش سر برنمی تابیم و از فرمان بری اش آزرده نبوده، بی تابی نکرده و به سُتوه نیاییم؛

ما سرسپار اوییم». (۱)

مرد از عمل شناخته گردد مردی به شهرت و سخن نیست (۲)

 داستان امام حسین علیه السلام که ماباید آن را زنده نگه داریم، در حقیقت هوشیار باش و بیدار باشی است که آه! دیدی چه بر سر اسلام آمد! ما باید در اثر تجدید یادبود این قضیه، همیشه هوشیار باشیم که مبادا دیگر از این مصیبت ها بر اسلام وارد شود. (۳)

 حسین بن علی علیه السلام می خواهد نام او، مکتب او، زنده باشد؛ در مکتب او با هر باطلی بجنگیم؛ با کمونیزم بجنگیم؛ با ظلم، با بی عدالتی، با فساد، با فحشا، با قمار، با مُسکِرات مبارزه کنیم. (۴)

 زنده کردن نام و نهضت او [حسین علیه السلام] برای این است که پرتوی از روح حسین بن علی علیه السلام بر روح ما و شما بتابد. (۵)

 مکتب زنده حسین علیه السلام، ظهور حسین علیه السلام است در همه اعصار؛ یعنی در هر سال و هر محرم، امام حسین علیه السلام به صورت یک مصلح عالی ظهور می کند. (۶)

 هر سال که محرم می آید می بینیم امام حسین علیه السلام از نو طلوع می کند، از نو زنده می شود. (۷)

 عاشورا، روز تجدید حیات ماست. (۸)

۱- مناقب آل ابی طالب علیه السلام، ج۴، ص۱۵۸.

۲- دیوان اشعار ملک الشُّعرای بهار، «یا مرگ یا تجدّد».

۳- ده گفتار، ص۲۷۲.

۴- ده گفتار، ص۲۷۵.

۵- حماسه حسینی، ج۱، ص ۸۰.

۶- حماسه حسینی، ج۳، ص۲۲۸.

۷- حماسه حسینی، ج۲، ص ۲۸۱.

۸- حماسه حسینی، ج۱، ص ۲۲۱.

 عاشورا، شعار شیعه شده است. (۱)

 ما باید این حادثه را زنده نگه داریم؛ چون دیگر نه حسینی پیدا خواهد شد و نه قاسم بن الحسنی. (۲)

 حادثه عاشورا از جنبه اجتماعی و نسبت به کسانی که مرتکب آن شدند، مظهر یک انحطاط در جامعه اسلامی بود. لذا دائما باید یادآوری بشود که دیگر چنین کاری را مرتکب نشوند. (۳)

 جنگ های صلیبی، جنگ های خوارج، حتی فاجعه کربلا، ساخته دست این طبقه (خشکه مقدس ها) است. (۴)

 اساساً حفظ حماسه در اجتماع، یعنی همین که اجتماع از خودش فلسفه ای در زندگی داشته باشد و به آن فلسفه ایمان و اعتقاد داشته باشد و او را برتر و بهتر و بالاتر بداند و به آن ببالد. (۵)

 نگذارید حادثه عاشورا فراموش شود. حیات شما، زندگی و انسانیت و شرف شما به این حادثه بستگی دارد. به این وسیله می توانید اسلام را زنده نگه دارید. (۶)

 حسین بن علی که امروز بر دل شما حکومت می کند جهتش این است که رنگ زمان به خود نگرفت. نگفت اگر پیغمبر حکومت کند رنگ پیغمبر، اگر معاویه حکومت کند رنگ معاویه، اگر یزید حکومت کند رنگ او را باید

۱- حماسه حسینی، ج۲، ص۲۱۴.

۲- حماسه حسینی، ج۱، ص۳۵.

۳- حماسه حسینی، ج۱، ص ۱۳۰.

۴- پاسخ های استاد به نقدهایی بر کتاب مسأله حجاب، ص۶۶.

۵- حماسه حسینی، ج۱، ص۱۷۵.

۶- حماسه حسینی، ج۱، ص۴۸.

بگیریم و چون زمانه این جور شده است باید رنگ زمانه را بگیریم! (۱)

 این موضوع [زنده نگه داشتن حادثه عاشورا] برای صیقل دادن احساسات اسلامی و انسانی است، اما به شرط اینکه ما این را درست درک بکنیم. (۲)

 آرزوی شرکت در حادثه ای که از آن هزار و سیصد و بیست سال گذشته، معنی ندارد؛ اینها برای این است که ما همیشه به خودمان تلقین کنیم و حسین بن علی را به صورت یک مکتب زنده حفظ کنیم. اگر شخص حسین بن علی علیه السلام مُرد، مکتب او زنده است؛ در مکتب حسین علیه السلام و در زیر لوای حسین علیه السلام مبارزه کنیم، در سایه حسین علیه السلام در راه حق قدم برداریم. (۳)

 نام امام حسین علیه السلام شعار انقلاب علیه ظلم گشت. (۴)

 با همه نقایصی که الان در کار است، خوشبختانه مردم، احساساتی بسیار پاک و احساساتی واقعی نسبت به سیدالشهدا علیه السلام دارند. (۵)

 مردم آن قدر که به نام حسین بن علی علیه السلام جمع می شوند، به نام دیگری جمع نمی شوند. (۶)

 مردم به هر حال از برکت حسین بن علی علیه السلام آماده اند. (۷)

 نباید کاری کرد که احساسات مردم در این زمینه [قیام امام حسین علیه السلام] خاموش شود، باید تندتر و تیزتر کرد، باید کاری کرد که

۱- اسلام و مقتضیات زمان، ج۱، ص۶۶.

۲- حماسه حسینی، ج۱، ص ۱۳۰.

۳- ده گفتار، ص۲۷۶.

۴- ده گفتار، ص ۲۵۱.

۵- ده گفتار، ص۲۵۴.

۶- ده گفتار، ص۲۵۶و۲۵۷.

۷- ده گفتار، ص۲۵۶و۲۵۷.

احساسات مردم و عشق و علاقه مردم نسبت به حق تیزتر شود و نسبت به باطل مطلقاً احساسات نفرت آمیز داشته باشند. (۱)

 باید فلسفه قیام سیدالشهدا و هم فلسفه عزاداری آن حضرت را به مردم بگویند و مردم را آگاه کنند. باید مکرر این مطلب را بگویند، نه یک بار و دوبار و ده بار و صدبار، همیشه باید به گوش مردم خوانده شود. (۲)

 باید فلسفه قیام حسینی مکرر در منابر گفته شود، فلسفه عزاداری ها گفته شود. (۳)

 بدون شک مکتب امام حسین علیه السلام منطق و فلسفه دارد. درس است و باید آموخت. (۴)

 حسین بن علی علیه السلام می گوید کربلا که یک روز نیست، همیشه است. (۵)

 ائمه دین خواستند مکتب حسین علیه السلام در دنیا باقی بماند، شهادت حسین علیه السلام به صورت یک مکتب، مکتب مبارزه حق با باطل برای همیشه باقی بماند. (۶)

 ائمه دین خواستند قیام امام حسین علیه السلام به صورت یک مکتب و به صورت یک مشعل فروزان همیشه باقی بماند. این چراغی است از حق، از حقیقت پرستی، از حقیقت خواهی. این یک ندایی است از حق طلبی، از حریت، از آزادی. این مکتب حریت و این مکتب آزادی، این مکتب مبارزه

۱- ده گفتار، ص۲۵۹.

۲- ده گفتار، ص۲۵۷.

۳- ده گفتار، ص۲۵۸.

۴- سیری در سیره نبوی، ص۵۸.

۵- حق و باطل به ضمیمه احیای تفکر اسلامی، ص۸۹.

۶- ده گفتار، ص۲۵۱.

با ظلم را خواستند برای همیشه باقی بماند. (۱)

 از نظر مصالح اجتماعی و تجدید و احیای روح مبارزه و نبرد در راه حق، البته ایجاد مکتب گریه و تأثر، مؤثر و مفیدتر است. (۲)

 ابراز احساسات برای قهرمانان بزرگ تاریخ، وحشی گری نیست. (۳)

 آنچه وجود دارد یک جاذبه واقعی حسینی است. (۴)

 هر اندازه در این زمینه [دلیل حادثه کربلا] خیال بافی بیشتر شود، از جنّ و ملک و خواب و بیداری و دستورهای خصوصی زیاد گفته شود، این نهضت را بی مصرف تر می کند. (۵)

 مسئله تجسم دادن فکر گاهی صرفاً نقش است و شکل است و صورت است و نمایش است؛ یعنی بی روح است و به بازی گرفتن خیال است. (۶)

 داستان امام حسین علیه السلام یک سوژه است برای عالم اسلام و یک نوع تجدید حیات امر به معروف و نهی از منکر است، یک نوع ظهوری است که همه ساله سیدالشهدا علیه السلام در مظهر خطبا و گویندگان و یا در مظهر مصلحین و انقلابیون صالح می کند. (۷)

 غلط ترین غلط ها این است که ما امام حسین علیه السلام را نفله شده حساب کنیم، امام حسین علیه السلام به عکس، به هر قطره خون خود یک دنیا ارزش داد. (۸)

۱- ده گفتار، ص ۲۵۱.

۲- حماسه حسینی، ج۳، ص ۲۳۴.

۳- حماسه حسینی، ج۱، ص ۱۳۷.

۴- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۲۱.

۵- حماسه حسینی، ج۳، ص ۸۵.

۶- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۴۴.

۷- حماسه حسینی، ج۳، ص ۲۳۵.

۸- حماسه حسینی، ج۳، ص ۸۳ و ۸۴.

 اگر در دنیا کسی را پیدا کنید که نگذاشت یک ذرّه از شخصیتش هدر برود، حسین بن علی علیه السلام است. (۱)

 شعارهای حسین علیه السلام شعارهای مُحیی [احیا کننده] بود. (۲)

 شعارهایی که در سینه زنی ها و نوحه سرایی ها می دهید، شعارهای حسینی باشد. (۳)

 مکتب حسینی باید مکتب تجدید حیات اسلام باشد. یا مظلوم، و ای غریب و ای بی پدر! باید حذف شود. (۴)

 باید شعارهای منحط و مباین با شعارهای حسینی و روح حسینی حذف شود؛ از قبیل یا مظلوم، یا غریب، ای بی مادر، ای بی پدر!!! (۵)

 ما هیچ دچار فقر شعار نیستیم. آن قدر از خود امام حسین علیه السلام، از پدر امام حسین علیه السلام، از برادر امام حسین علیه السلام، از مادر امام حسین علیه السلام، از فرزندان امام حسین علیه السلام شعارهای زنده داریم که دنیا باید بیاید از ما قرض کند. ما چرا برویم شعار مردم، آن هم شعار نادرست مردم را قرض کنیم؟! شایسته نیست نسل جوان تعصب بورزد. (۶)

 در اسلام، تجسم های زنده و روح دار و جاندار و واقعی است. حادثه کربلا یک تجسم است از اسلام در همه جنبه ها اما جاندار و روح دار. (۷)

۱- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۷۹.

۲- حماسه حسینی، ج ۲، ص ۲۱۹.

۳- حماسه حسینی، ج ۲، ص ۲۱۸.

۴- حماسه حسینی، ج ۳، ص ۳۲۱.

۵- حماسه حسینی، ج ۳، ص ۳۲۲.

۶- انسان کامل، ص ۲۴۳.

۷- حماسه حسینی، ج ۳، ص ۳۴۳.

 جریان حادثه کربلا نیز شبیه پذیر، یعنی نمایش پذیر است و سوژه فراوان دارد و با اینکه یک حادثه واقعی و طبیعی است آن چنان صورت گرفته که گویی خواسته اند با آن یک نمایشنامه تهیه کنند. (۱)

 گویی در حادثه کربلا بنا بوده است که اسلام در همه ابعادش و همه جنبه هایش تجلی کند. (۲)

 عزاداری حسین بن علی یک حرکت است، یک موج است، یک مبارزه اجتماعی است. (۳)

 در اصل فلسفه اش (فلسفه عزاداری سنتی) تهییج احساسات علیه یزیدها و ابن زیادها و به سود حسین ها و حسینی ها بوده. (۴)

 اگر کسانی که بر این مخزن عظیم و گرانقدر احساسی و روحی گمارده شدند؛ یعنی رهبران مذهبی بتوانند از این مخزن عظیم در جهت هم شکل کردن و هم رنگ کردن و هم احساس کردن روح ها با روح عظیم حسینی بهره برداری صحیح کنند، جهان اصلاح خواهد شد. (۵)

 در مردم واقعاً یک نوع احساساتی حقیقی نسبت به سیدالشهدا هست، واقعاً امام حسین علیه السلام را دوست دارند و به او عشق می ورزند و از سوز دل برایش اشک می ریزند. (۶)

 نوع گریه بر امام حسین علیه السلام لذّت بخش است و به قلب، صفا و روشنی می دهد. (۷)

۱- حماسه حسینی، ج۳، ص۳۴۴.

۲- حماسه حسینی، ج۳، ص۳۴۴.

۳- بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صدساله اخیر، صص۷۹ و ۸۰.

۴- بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صدساله اخیر، ص۷۹.

۵- قیام و انقلاب مهدی(عج) به ضمیمه شهید، ص۱۲۲.

۶- ده گفتار، ص۲۵۵.

۷- حماسه حسینی، ج۳، ص۹۳.

 این گریه ها است که نهضت امام حسین علیه السلام را در اعماق جان مردم فرو می کند. (۱)

 «اِنَّ لِلْحُسَیْنِ مَحَبَّهً مَکْنُونَهً فی قُلُوبِ الْمُؤْمِنینِ» (۲) در عالی ترین مقامات و مراکز روح ها ثبت شد تا آنجا که دل ها، کانونی شد از احساسات او و بردن نامش، اشک ها را جاری می سازد. و خدا می داند که در طول هزار و سیصد سال [هزار و چهارصد و بیست و سه سال]چند هزار تُن اشک مانند گلاب از گُل گرفته است. (۳)

 در شرایط خشن یزیدی، در حزب حسینی ها شرکت کردن و تظاهر به گریه کردن بر شهدا، نوعی اعلام وابسته بودن به گروه اهل حق و اعلان جنگ با گروه اهل باطل و در حقیقت نوعی از خود گذشتگی است. (۴)

در شرایطی که حسین علیه السلام به صورت یک مکتب در یک زمان حضور دارد و سمبل راه و روش اجتماعی معیّن و نفی کننده راه و روش موجود معیّن دیگری است، یک قطره اشک برایش ریختن واقعاً نوعی سربازی است. (۵)

 گاهی ممکن است انسان آن قدر برای امام حسین علیه السلام بگرید که اگر اشک همه عمر را جمع کنند یک استخر بشود و هیچ ارزشی هم نداشته باشد، ولی یک انسان ممکن است به اندازه یک بال مگس برای امام

۱- قیام و انقلاب مهدی(عج) به ضمیمه شهید، ص۱۲۳.

۲- ولی از پیامبر اکرم(ص) گزارش شده است: «ان للحسین فی بواطن المؤمنین، معرفه مکتومه؛ حسین در باطن مؤمنان، معرفت پنهان دارد.» بحارالأنوار، ج۴۳، ص۲۷۲.

۳- حماسه حسینی، ج۳، ص۳۶۳.

۴- بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صدساله اخیر، ص۷۹.

۵- بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صدساله اخیر، ص۷۹.

حسین علیه السلام اشک بریزد که ارزشش از آن استخر اشک دیگری خیلی بیشتر باشد. (۱)

 اگر گریه بر حسین بن علی علیه السلام تو را به سوی عمل کشاند، بدان که تو بر امام حسین علیه السلام گریه کرده ای و گریه تو راستین است، اگر نه فریب شیطان است. (۲)

اگر گفتید من نماز نمی خوانم به جایش کار دیگری برای امام حسین علیه السلام می کنم، امام حسین علیه السلام به چیزی راضی می شود خدا به چیز دیگر، نه خدا را شناخته اید نه امام حسین علیه السلام را. (۳)

 مکتب امام حسین علیه السلام مکتب گناهکارسازی نیست، بلکه ادامه مکتب انبیا است. (۴)

 گناه، آن وقت بخشیده می شود که روح ما پیوندی بخورد با روح حسین بن علی علیه السلام ؛ اگر پیوند بخورد، گناهان ما قطعاً بخشیده می شود، ولی علامت بخشیده شدنش این است که دو مرتبه، دیگر دنبال آن گناه نمی رویم. (۵)

 مکتب حسین علیه السلام مکتب انسان سازی است، نه مکتب گنهکارسازی. حسین علیه السلام سنگر عمل صالح است، نه سنگر گناهکاری. (۶)

 امام حسین علیه السلام درِ دیگری باز نکرده غیر از درِ خانه خدا. (۷)

 اگر [امام حسین علیه السلام] دری غیر از درِ خانه خدا باز کرده باشد که او امام

۱- آشنایی با قرآن(تفسیر سوره های صف، جمعه، منافقون، تغابن)، ج۸، ص۱۳۹.

۲- گفتارهای معنوی، ص۱۲۴.

۳- آشنایی با قرآن(تفسیر سوره های زخرف، دخان، جاثیه، فتح، قمر)، ج۵، ص۹۵.

۴- حماسه حسینی، ج۳، ص۷۵.

۵- حماسه حسینی، ج۱، ص ۲۲۱.

۶- حماسه حسینی، ج۱، ص ۸۵.

۷- آشنایی با قرآن(تفسیر سوره های زخرف، دخان، جاثیه، فتح، قمر)، ج ۵، ص ۹۶.

حسین علیه السلام نیست. (۱)

 می خواهی مردم را نسبت به امام حسین علیه السلام بگریانی، صحنه عاشورا آن قدر پر از حماسه هست، آن قدر پر از عاطفه هست، آن قدر پر از رقّت هست، آن قدر صحنه های با شکوه و جذاب و دلسوز دارد که اگر در قلب ما ذره ای از ایمان باشد کافی است که نام حسین علیه السلام را بشنویم و اشک ما جاری بشود. (۲)

 واقعاً اگر صحنه ای مثل صحنه کربلا ایجاد شود، یعنی امام حسینی باشد، همین ماها که یک عمر برای امام حسین علیه السلام داد کشیده ایم، گریه کرده ایم، حسین حسین کرده ایم، مردی هستیم که در یک چنین صحنه ای پایداری کنیم؟ البته پیش خودمان این جور خیال می کنیم، ولی این طور نیست. (۳)

 [امام حسین علیه السلام] هر هدف مادی و دنیایی را که در نهایت امر، منتهی به رضای خدا یعنی هدف کلّ آفرینش نباشد و بخواهد از هدف کل آفرینش جدا کند، آن را پست و حقیر می داند. (۴)

 اگر کسی گمان کند که تحصیل رضا و خشنودی خدای متعال راهی دارد و تحصیل رضا و خشنودی فرضاً امام حسین علیه السلام راهی دیگر دارد و هر یک از این دو، جداگانه ممکن است سعادت انسان را تأمین کند، دچار ضلالت بزرگی شده است. (۵)

 امام حسین علیه السلام کشته نشد برای اینکه - العیاذ باللّه - دستگاهی در

۱- آشنایی با قرآن(تفسیر سوره های زخرف، دخان، جاثیه، فتح، قمر)، ج ۵، صص ۹۶ و ۹۷.

۲- سیری در سیره نبوی، صص ۱۷۲ و ۱۷۳.

۳- آشنایی با قرآن آیاتی از سوره انفال و توبه، ج ۳، ص ۱۷۷.

۴- حماسه حسینی، ج۳، ص ۳۷۱.

۵- عدل الهی، ص۲۲۵.

مقابل دستگاه خدا یا شریعت جدّش رسول خدا(ص) به وجود آید، راه فراری از قانون خدا نشان دهد، شهادت او برای این نبوده که برنامه عملی اسلام و قانون قرآن را ضعیف سازد، بر عکس، وی برای اقامه نماز و زکات و سایر مقررات اسلام از زندگی چشم پوشیده، به شهادت تن داد. (۱)

 این چنین تصویری از شفاعت نه تنها باطل و نادرست است، بلکه شرک در ربوبیت است و به ساحت پاک امام حسین علیه السلام که بزرگ ترین افتخارش «عبودیت» و بندگی خداست نیز اهانت است. (۲)

 شفاعت امام حسین علیه السلام به این صورت نیست که بر خلاف رضای خدا و اراده او چیزی را از خدا بخواهد. (۳)

 امام حسین علیه السلام اصلاً بدون اجازه و رضایت خدا محال است (شفاعت کند)، به علاوه او کارش حساب دارد. (۴)

 [امام حسین علیه السلام] شفاعتش به اجازه خداست، در یک کلمه ای که بخواهد شفاعت کند، باید اول برایش محرز باشد که خدا رضایت می دهد که این حرف را بزند. (۵)

 اصلاً امام حسین علیه السلام اگر رضایی غیر از رضای خدا داشته باشد که امام نیست. (۶)

علت اینکه در روایات داریم که امام حسین علیه السلام از خلق کثیری شفاعت می کند، این است که در این جهان، مکتب امام حسین علیه السلام بیش از

۱- عدل الهی، ص۲۲۵.

۲- عدل الهی، ص۲۲۵.

۳- عدل الهی، ص۲۲۹.

۴- آشنایی با قرآن(تفسیر سوره های زخرف، دخان، جاثیه، فتح، قمر)، ج۵، ص۹۴.

۵- آشنایی با قرآن(تفسیر سوره های زخرف، دخان، جاثیه، فتح، قمر)، ج۵، ص۹۴.

۶- آشنایی با قرآن(تفسیر سوره های زخرف، دخان، جاثیه، فتح، قمر)، ج۵، ص۹۵.

هر مکتبی موجب احیای دین و هدایت مردم شده است. (۱)

امام حسین علیه السلام شفیع کسانی است که از مکتب او هدایت یافته اند، او شفیع کسانی نیست که مکتبش را وسیله گمراهی ساخته اند. (۲)

معلوم می شود تمام مردمی که خود را بسته اند به مقامات دنیوی، به ثروت دنیوی و به خاطر این مقامات و ثروت ها خود را پست می کنند، در نظر حسین علیه السلام بسیار حقیر و پست می باشند. (۳)

حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام

 حسین علیه السلام خیلی او [ابوالفضل العباس علیه السلام] را دوست می دارد و یادگار شجاعت پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام است. (۴)

 آیا برای ایثار، تجسّمی بهتر از داستان جناب ابوالفضل العباس علیه السلام می توان پیدا کرد؟ (۵)

 [حضرت عباس علیه السلام] همه اش سراسر وفا بود. (۶)

 دلاوری حضرت ابوالفضل العباس از مسلّمات و قطعیات تاریخ است. (۷)

۱- عدل الهی، ص۲۲۹.

۲- عدل الهی، ص۲۲۹.

۳- حماسه حسینی، ج۳، ص۳۷۲.

۴- حماسه حسینی، ج۲، ص۱۱۷.

۵- حماسه حسینی، ج۱، ص۳۰۲.

۶- حماسه حسینی، ج۱، ص ۳۰۴.

۷- حماسه حسینی، ج۱، ص ۲۵۹.

بانوی بزرگ کربلا حضرت زینب علیها السلام

 حادثه کربلا نیز یک تاریخ «انسانی» است؛ یعنی تاریخ زوج است نه فرد، «مؤنث» است نه مذکر و نه مؤنث، مذکر و مؤنث است نه مذکر محض. (۱)

 یکی از زنان اسلام که مایه افتخار جهان است زینب کبری۳ است. (۲)

 از نظر قوّت و قدرت قلب و حماسه داشتن روح و نترسیدن از کشته شدن، حضرت زینب علیها السلام یک نمونه بسیار عالی اسلامی است و در تاریخ اسلام، داستان او به عنوان یک نمونه کامل همیشه نقل شده است. (۳)

 در حماسه حسینی آن کسی که بیش از همه این درس را آموخت و بیش از همه این پرتو حسینی، بر روح مقدس او تابید، خواهر بزرگوارش زینب علیها السلام بود. (۴)

 در روز عاشورا مثل اینکه وضع روحی زینب علیها السلام خیلی قوی بود، و با جریان هایی، قوی تر و نیرومندتر شد. (۵)

 عصر عاشورا، زینب علیها السلام تجلّی می کند. (۶)

 قهرمانی [زینب علیها السلام] قسمت زیادش معلول همان حوادث و شداید

۱- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۳۵۰.

۲- بیست گفتار، ص۱۹۵.

۳- تعلیم و تربیت در اسلام، ص۱۶۸.

۴- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۷۶.

۵- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۴۱.

۶- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۳۳۲.

کربلاست. (۱)

 حوادث خونی و مصائب بی نظیر کربلا، زینب علیها السلام را به صورت پولاد آبدیده در آورد. (۲)

 زینب علیها السلام بعد از کربلا، با زینب علیها السلام قبل از کربلا متفاوت است؛ یعنی بعد از کربلا یک شخصیت و عظمت بیشتری دارد. (۳)

 تاریخ نشان می دهد که حوادث خونین و مصائب بی نظیر کربلا، زینب علیها السلام را به صورت پولاد آبدیده در آورد. زینبی که از مدینه خارج شد با زینبی که از شام به مدینه برگشت یکی نبود. زینبی که از شام برگشت رشدیافته تر و خالص تر بود، حتی آنچه در خلال حوادث اسارت ظهور کرده با آنچه در خلال ایام کربلا در زمانی که هنوز برادر بزرگوارش زنده بود و مسئولیت به عهده زینب علیها السلام گذاشته نشده بود، از زینب علیها السلام ظهور کرد فرق دارد. (۴)

 دلایلی در کار است که به اندازه ای که در شب عاشورا بر زینب علیها السلام سخت گذشت، بر هیچ کس سخت نگذشت، و باز به اندازه ای که در این شب به ایشان سخت گذشت، در هیچ موقع دیگری نگذشت. (۵)

 مجلس عزای حسین علیه السلام را برای اولین بار زینب علیها السلام ساخت. (۶)

 یکی از آن عجایبی که تربیت بسیار بسیار عالی این بانوی مجلله را می رساند، این است که در هیچ مقتلی ننوشته اند که زینب علیها السلام چه قبل و

۱- بیست گفتار، ص۱۹۵.

۲- بیست گفتار، ص۱۹۵.

۳- حماسه حسینی، ج ۱، ص۱۷۶.

۴- بیست گفتار، صص۱۶۷و۱۶۸.

۵- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۴۱.

۶- حماسه حسینی، ج ۱، ص۳۳۳.

چه بعد از شـهادت پسرش، نامی از او برده باشد. گویی اگر می خواست این نام را ببرد، فکر می کرد که نوعی بی ادبی است. (۱)

مقام شامخ زینب علیها السلام در تبلیغ او بروز کرد. (۲)

 زمینه روشن کردن اذهـان طبعاً بعـد از ختم جریان بهتر فراهم است ولهـذا نقش عمـده تبلیغات بر عهـده اهل بیت و اسـیران است. (۳)

 زینب علیهـا السـلام از تریبون دشـمن اسـتفاده کرد. اسـتفاده از تریبون دشـمن در حقیقت، جنگ را تا خانه دشـمن کشـیدن است. (۴)

 زینب علیها السلام همان جمله های حسین علیه السلام را به الفاظ دیگر با یک دنیا اطمینان بازگو می کند. (۵)

 اهل بیت پیغمبر(ص)، یکی از آثار وجودی شان این بود که نگذاشتند فلسفه اقناعی دشمن پا بگیرد. (۶)

۱- ده گفتار، ص۳۰۱.

۲- حماسه حسینی، ج۱، ص۳۵۹.

۳- حماسه حسینی، ج۳، ص۳۴۷.

۴- حماسه حسینی، ج۳، ص۳۵۵.

۵- ده گفتار، ص۶۴.

۶- حماسه حسینی، ج۳، ص۳۵۵.

کتاب نامه

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند.

۲. حافظ شیرازی، شمس الدین محمد، دیوان، به اهتمام: قزوینی و دکتر قاسم غنی، نشر لقمان، بی جا، بی تا.

۳. ابن شهرآشوب مازندرانی، محمدبن علی، مناقب آل ابی طالب، قم، مؤسسه انتشارات علامه، ۱۳۷۹ هـ .ق.

۴. خواجوی کرمانی، دیوان اشعار.

۵. سعدی، مصلح بن عبداللّه، کلیات سعدی، به اهتمام: محمدعلی فروغی، تهران، ۱۳۶۵، چاپ اول.

۶. عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه (۲۹ جلدی)، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹هـ .ق.

۷. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.

۸. مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار (۱۱۰جلدی)، مؤسسه الوفاء،

بیروت، ۱۴۰۴ هـ . ق.

۹. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن (آیاتی از سوره انفال و توبه)، تهران، صدرا، چاپ چهارم، ۱۳۷۰.

۱۰. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن (تفسیر سوره های زخرف، دخان، جاثیه، فتح، قمر)، تهران، صدرا، چاپ سوم، ۱۳۷۷.

۱۱. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن (تفسیر سوره های صف، جمعه، منافقون، تغابن)، تهران، ۱۳۷۷.

۱۲. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن (تفسیر سوره های طلاق، تحریم، ملک، قلم)، تهران، ۱۳۷۸.

۱۳. مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، تهران، صدرا، چاپ نهم، ۱۳۷۳.

۱۴. مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، تهران، صدرا، چاپ دوم، ۱۳۶۴.

۱۵. مطهری، مرتضی، امدادهای غیبی در زندگی بشر، تهران، صدرا، بی تا.

۱۶. مطهری، مرتضی، انسان کامل، تهران، صدرا، چاپ یازدهم، ۱۳۷۳.

۱۷. مطهری، مرتضی، بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صدساله اخیر، تهران، صدرا، چاپ دوازدهم، پائیز ۱۳۶۸.

۱۸. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، تهران، صدرا، چاپ پنجم، خرداد ۱۳۵۸.

۱۹. مطهری، مرتضی، پاسخهای استاد به نقدهایی بر کتاب مسأله حجاب، تهران، صدرا، چاپ دوم، ۱۳۶۸.

۲۰. مطهری، مرتضی، پانزده گفتار، تهران، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۲۱. مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، صدرا، چاپ نهم، ۱۳۷۲.

۲۲. مطهری، مرتضی، پیرامون جمهوری اسلامی، تهران، صدرا، چاپ هشتم، ۱۳۷۳.

۲۳. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، چاپ بیست و سوم، ۱۳۷۳.

۲۴. مطهری، مرتضی، حق و باطل به ضمیمه احیای تفکر اسلامی، تهران، صدرا، چاپ سوم، ۱۳۶۲.

۲۵. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، (۳ جلد) تهران، صدرا، چاپ دوازدهم، ۱۳۶۷.

۲۸. مطهری، مرتضی، ده گفتار، تهران، صدرا، چاپ دهم، ۱۳۷۴.

۲۹. مطهری، مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار علیه السلام، تهران، صدرا، چاپ نوزدهم، ۱۳۷۹.

۳۰. مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، تهران، صدرا، چاپ ششم، ۱۳۶۸.

۳۱. مطهری، مرتضی، عدل الهی، تهران، صدرا، چاپ هفتم، ۱۳۷۲.

۳۲. مطهری، مرتضی، فلسفه اخلاق، تهران، صدرا، چاپ یازدهم، ۱۳۷۲.

۳۳. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی(عج) به ضمیمه شهید، تهران، صدرا، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۳.

۳۴. مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، صدرا، تهران، چاپ هجدهم،

ص:۶۷

.۱۳۷۷

۳۵. ملک الشُّعرای بهار، دیوان اشعار

«اَللّهُمَّ الْعَنْ اَوَّلَ ظالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

وَ آخِرَ تابِعٍ لَهُ عَلی ذلِکَ

اَللّهُمَّ الْعَنِ الْعِصابَهِ الَّتی جاهَدَتِ الْحُسَیْنَ

وَ شایَعَتْ وَ بایَعَتْ وَ تابَعَتْ عَلی قَتْلِهِ

اَللّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمیعا.» (۱)

۱- مفاتیح الجنان، بخشی از زیارت عاشورا.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹